



موفقیت در آزمونهای چند گزینه ای

* آزمونهای سراسری برای همه مقاطع (پایه تا دکتری)

* آزمونهای تخصصی سازمان بورس

* آزمونهای بین الملل

Eco-lib.com

مولف: مهندس محمد سعید حیدری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موفقیت در آزمونهای

چندگزینه ای

مؤلف:

مهندس محمد سعید حیدری

دانشجوی دکترای مدیریت

عصرکنکاش-۱۳۹۱

Eco-lib.com

سرشناسه : حیدری محمدسعید، ۱۳۶۰-
عنوان و نام پدیدآور : موفقیت در آزمون های چندگزینه ای / مولف محمدسعید حیدری
مشخصات نشر : تهران: عصر کنکاش، ۱۳۹۱
مشخصات ظاهری : ۱۱۰ص
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۹۴۹-۰۱-۷
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
موضوع : آزمون های چندگزینه ای - - راهنمای مطالعه
رده بندی کنگره : ۱۱۳۹۱ الف ۴۱ح ۳۲/۹ ۳۰۶۰ LB
رده بندی دیویی : ۳۷۱/۲۶
شماره کتابشناسی ملی : ۳۰۵۲۳۱۵



انتشارات علمی، فرهنگی و آموزشی

عصر کنکاش

این کتاب، وقف انجمن خیریه حمایت از کودکان سرطانی (ممک) شده است.

کلیه حقوق این کتاب برای ناشر محفوظ است.

فهرست مطالب

۳ درباره مولف
۵ مقدمه
۹ ساختار کتاب
۱۳ فصل اول: کنکور کارشناسی
۲۳ فصل دوم: کنکور کارشناسی ارشد
۳۳ فصل سوم: آزمون مقدماتی (نماینده‌گی ۲) بورس اوراق بهادار
۳۹ فصل چهارم: آزمون تحلیلی‌گری بورس اوراق بهادار
۴۹ فصل پنجم: آزمون های مقدماتی بورس کالا و معامله گری آتی
۵۷ فصل ششم: آزمون تحلیلی‌گری بازار سرمایه (بورس کالا)
۶۵ فصل هفتم: آزمون CFA
۷۹ فصل هشتم: آزمون های چهارگانه سازمان بورس
۸۵ فصل نهم: کنکور دکترا
۹۱ فصل دهم: آزمون FRM
۱۰۰ فصل آخر: نکات تکمیلی
۱۱۰ سخن پایانی

این کتاب و حقوق معنوی آن وقف حمایت از کودکان سرطانی
است، لذا از تو دوست عزیز که این کتاب را مطالعه نموده‌ای تقاضا
می‌نمایم در حد وسع خود به موسسه حمایت از کودکان سرطانی
محکم کمک نمایی.

درباره مولف

مهندس محمد سعید حیدری نگارنده این کتاب در طی سالیان اخیر در بیش از ۱۴ آزمون تمام تستی در سطح ملی و بین‌المللی شرکت نموده که در ۱۴ مورد با موفقیت این آزمونها را گذرانده است؛ (از جمله می‌توان به آزمونهای کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا در سطح ملی و آزمون CFA, (آزمون تحلیلگر مالی و سرمایه‌گذاری) و FRM (مدیریت ریسک مالی) در سطح بین‌المللی اشاره نمود) و موفق گردیده در این زمینه عملاً به نوعی دانش تجربی دست پیدا کند.

مقدمه و دیباچه کتاب

در این کتاب (یا بهتر بگوییم کتابچه) سعی نخواهم نمود اصول علمی که در مورد شرکت در آزمونها و بویژه آزمونهای تستی (چند گزینه‌ای) پیش از این بارها و بارها توسط محققین و کارشناسان آموزشی و علوم روانشناسی و... در کتب مختلف بیان شده است را برای شما مجدداً بیان کنم، بلکه هدفم اینست که آنچه را که خود تجربه نمودم، ایده‌هایی که خود بدان دست‌یافتیم و آنچه که در طول سالهای اخیر و به هنگام شرکت در آزمونهای متعدد و متنوع تستی حس کرده‌ام را با شما در میان بگذارم.

ایده نگارش این کتاب زمانی به ذهنم رسید که می‌دیدم به راحتی و با اولین تلاش در آزمونهای تستی موفق می‌شوم، حال آنکه دیگران برای موفق شدن در آن آزمونها حداقل یک یا دو بار طعم شکست را می‌چشند، آزمونهایی که بعضاً از لحاظ پیش‌زمینه علمی و تئوریک (و به قول مفسرین ورزشی بر روی کاغذ)، من نسبت به بسیاری از افراد شرکت‌کننده در این آزمونها شانس کمتری برای موفقیت داشتم، در اینجا بود که احساس کردم که نکته‌ای قابل بحث و کشف وجود دارد، از

آنجا که اصولاً خود را فرد نابغه‌ای نمی‌دانم، پاسخ مناسبی که به ذهنم خطور کرد، مربوط به شیوه مطالعه، کسب آمادگی و نحوه حضور در آزمونهای تستی بود. روشی که من در آزمونهای تستی شرکت می‌نمودم و الگویی که برای موفقیت در این آزمونها به صورت خودآگاه و ناخودآگاه بکار می‌بستم را عمده‌ترین تفاوت خود و سایرین دیدم، بنابراین سعی کردم این تفاوتها را تا آنجا که امکان دارد شناسایی و مکتوب نمایم.

پیش از آغاز کتاب، دو موضوع بیش از همه ذهن من را به خود مشغول نمود، از یک طرف احساس کردم شناسایی و بر شمردن تمامی نکات و ایده‌هایی که شخصاً برای موفقیت در آزمونهای تمام تستی که پشت سر گذارده‌ام، هم از لحاظ کمی و هم از لحاظ کیفی امکان‌پذیر نیست، و از طرف دیگر مبنای این کتاب تجارب و ایده‌های شخصی اینجانب است، و نه یک کار کاملاً علمی و برگرفته از نتایج تحقیقات میدانی و آزمایشگاهی خاص، لذا این دو دلیل باعث گردید احساس کنم ساختار داستان‌گونه برای بیان تجارب و نقطه‌نظرات این حقیر در خصوص نحوه شرکت در آزمونهای تستی بهتر از بقیه انواع ساختارها باشد.

لازم است پیش از هر چیز یادآوری نمایم که هدف بنده از نگارش این کتاب کمک به عزیزی است که در عین دارابودن شایستگی، هوش و نبوغ، پشتکار و همچنین

آمدگی علمی کافی، صرفا به دلیل رعایت نمودن برخی نکات و عدم تسلط کافی بر رموز شرکت در آزمونهای تستی، از رسیدن به بسیاری از مدارج علمی و تخصصی که شایستگی آن را نیز دارند باز می‌مانند.

لذا در این کتاب هیچ فرمول مرموزی برای موفقیت در آزمونهای تستی که در آن بدون تلاش و کوشش و مطالعه بتوانید هر آزمونی را پشت سر بگذارید وجود ندارد، در واقع اگر به سابقه علمی و تخصصی بنده و همچنین آزمونهای تستی که در آنها شرکت نموده‌ام نگاهی بیاندازید، متوجه خواهید شد، علی‌رغم پیش‌زمینه علم ناکافی در بسیاری از این آزمونها (همانگونه که قبلا اشاره گردید) عملا بسیاری از آنها با یکدیگر و همچنین با سوابق علمی و کاری بنده ارتباط تنگاتنگی داشته‌اند.

واقعا اگر فرمولی جادویی و مرموز وجود داشت، مطمئن باشید خود بیش و پیش از دیگران و در مسیر سایر علایق شخصی خود از آن استفاده نموده و احتمالا می‌توانستم علاوه بر مدارک فعلی خود، امروز به عنوان نفر برگزیده آزمونهای سراسری و یکی از اعضای بنیاد ملی نخبگان در خدمت شما حاضر شوم.

همانگونه که پیش از این بیان گردید، ساختار این کتاب روایی و داستان گونه است، البته اینگونه نیست که صرفا مانند یک داستان معمولی، خاطرات حضورم در آزمونهای تستی در این کتاب بیان شود و بس، بلکه بسیاری از نکات مهمی که شخصا در جریان حضور در آزمونهای تستی بدانها دست یافته و یا تجربه نموده‌ام، به صورت مشخص توضیح داده خواهد شد، ساختار داستان گونه صرفا به این دلیل است که از یک طرف محتوای کتاب جذابیت بیشتری پذیرد و از طرف دیگر شاید از آن طریق و در قالب داستان گویی برخی از نکات از نظر دورمانده و یا نکاتی که به صورت منسجم و استاندارد قابل توضیح و تبیین نیستند، به نظر خوانندگان محترم رسانده شود.

در این کتاب هر فصل به بیان خاطرات حضورم در یکی از آزمونهای تمام تستی ملی و بین‌المللی می‌پردازد، البته بیان این خاطرات بگونه‌ای است که تکرار مکررات نبوده و در هر فصل از یک طرف تجارب منحصر بفردی که در هر آزمون با آن مواجه گردیده‌ام را با شما خواننده محترم در میان خواهیم گذاشت. و از طرف دیگر برخی اصول ابداعی خود را که در اکثر این آزمونها آنها را بکار بسته‌ام، بتدریج و در

طول فصول مختلف کتاب بازگو می‌نمایم، به آن امید که این کتاب بتواند به تمامی جوانان باهوش و شایسته و تلاشگر این مملکت کمک نماید تا بر مبنای شایستگی‌های خود به بهترین مدارج دست یافته؛ و کنکورها و آزمونهای تستی در مقاطع مختلف تحصیلی به عنوان یک سد و مانع بر سر راه آنها قرار نگیرد.

در پایان اینکه در حد توان خود تمامی تلاشم را نمودم که این کتاب به سلیس‌ترین و شیواترین زبان ممکن و در کمترین حجم به نگارش درآید، تا به معنای واقعی کلمه نکات و ایده‌های مطرح در آن مورد استفاده همگان (در هر سن و سالی) قرار گیرد.

امیدوارم ادبیات و ضمائر شخصی که در کتاب به کار رفته است، را حمل بر غرور و خودستایی نفرمایید، از آنجا که این کتاب صرفاً بر پایه خاطرات و تجارب شخصی نگارنده، تنظیم شده است، عملاً استفاده از این نوع ادبیات اجتناب ناپذیر می‌نمود. لذا بدور از هر پیشداوری از این کتاب استفاده نموده و نظرات خود را نیز با بنده در میان بگذارید.

Saeedhaidary@gmail.com

فصل اول

کنکور کارشناسی

اولین تجربه حضور من در آزمونهای تستی رسمی کنکور کارشناسی بود، لذا کتاب را با بیان داستان حضورم در کنکور کارشناسی آغاز می‌کنم.

هر چند به هنگام شرکت در آزمون مقطع کارشناسی تجربه خاصی در مورد شرکت در آزمونهای تستی نداشتم و همچنین در مورد نحوه حضور در اینگونه آزمونها صاحب دیدگاه و سبک خاصی نبودم، و از طرف دیگر نیز ۱۳ سال از آن زمان گذشته است و خاطرات آن دوران به صورت محو و تار در ذهنم بر جای مانده است، اما بواسطه اثرگذاری قابل توجه آن بر زندگی شخصیم و نیز بر آزمونهای تستی بعدی، در این بخش بدان اشاره می‌کنم. البته لازم به ذکر است کنکور مقطع کارشناسی را من در همان بار اول قبول شدم.



برای یک فرد مثل من که چیزی از بازار کار نمی دانست و از کودکی نیز جز درس و مشق با چیز دیگری سرو کار نداشت، هیچ گزینه ای جز قبولی در کنکور متصور نبود. وقتی به مقاطع بالاتر رسید، مثلاً مقطع کارشناسی ارشد، بدترین حالت قبول نشدن در آزمون است، اما حتی در این حالت نیز با مدرک کارشناسی بسیاری از درها به روی شما همچنان گشوده است (فارغ از اینکه مشکل بیکاری در این کشور وجود دارد یا خیر)، هم یک مدرک دانشگاهی معتبر دارید و هم در مرحله ای از بلوغ سنی هستید که می توانید راههای مختلفی را برای ادامه زندگی و کارکردن بیابید.

اما زمانیکه پشت سد کنکور کارشناسی هستید (به عنوان یک نوجوان نابالغ و فاقد هر گونه مدرک معتبر دانشگاهی) و بدون دانستن هرگونه حرفه و فنی (جهت حضور مستقیم در بازار کار آزاد)، استرس زیادی به شما وارد می شود. شاید اگر پدر و مادرها فرزندان شما را طوری بار بیاورند و آموزشهایی را به آنها بدهند و به نقطه ای برسانند که بتوانند بدون ورود به دانشگاه نیز امکان کار و کسب درآمد را پیش روی خود متصور ببینند، از استرسهای آنها (استرسی که در بسیاری از موارد باعث از قوه به فعل نرسیدن توانمندیها و دانش آنها در سر جلسه کنکور می گردد) کاسته شود.



راه ساده‌تر که به صورت ناخودآگاه مورد استفاده اینجانب نیز قرار گرفت، این است که نیروی مخرب استرس را در مسیر دیگری هدایت کنید، در مورد شخص من ماجرا به این صورت بود که این استرس و ترس از آینده مبهم (در صورت قبول نشدن در کنکور) از یک طرف من را به سوی مطالعه بیشتر و حل هر چه بیشتر سوالات تستی سوق داده بوده و از طرف دیگر باعث شده بود که به صورت ناخودآگاه ذهنم را فقط بر روی موفقیت متمرکز کنم، چرا که از شدت ترس به هیچ چیز جز موفقیت (نه موفقیت به مفهوم عام آن، چرا که موفقیت در کنکور به عنوان یک هدف کلی و مبهم بسیار می‌تواند مخرب باشد) آنهم موفقیت در ورود به دانشگاه تهران، نمی‌توانستم فکر کنم.

در واقع برای شما خواننده عزیز (که احتمالاً خود یا فرزندان پشت درهای کنکور کارشناسی یا کارشناسی ارشد قرار دارد) می‌گویم که از نظر من استرس چیز بدی نبود، استرس به تمرکز بیشتر من بر موفقیت کمک کرد، چرا که ترسی در حد مرگ باعث شده بود جز ورود به دانشگاه تهران به چیز دیگری نتوانم فکر کنم، توصیه من این است که حتی اگر استرس ندارید، بازهم سعی نکنید غیر از موفقیت به چیز دیگری فکر کنید، وقتی امروز برای فردا تلاش می‌کنید، فقط به موفقیت فکر کنید، به این فکر نباشید که فردا اگر شکست خوردم زندگی خود را چگونه ادامه دهم، اینجا دقیقاً یکی از معدود مواردیست که ضرب المثل چو فردا



شود فکر فرد/کنیم، کاربرد می‌یابد. امروز که من و شما کتاب بدست گرفته و برای آزمون فردا درس می‌خوانیم، برای موفقیت درس می‌خوانیم، نه شکست؛ بنابراین دلیلی ندارد به شکست فکر کنیم. اگر خدای نکرده شکست خوردیم، بعدا بدان فکر کرده و همان موقع برایش عزاداری می‌کنیم، نه امروز.

از مباحث روانشناختی که بگذریم می‌رسیم به استراتژی‌هایی که من به صورت خودآگاه و ناخودآگاه برای موفقیت در کنکور کارشناسی ریاضی و فیزیک برگزیدم. اولین نکته‌ای که به ذهنم می‌رسد اینست که به قول دوستان مدیریت خوانده سعی کردم Positioning یا موقعیت‌یابی صحیحی در کلاسهای درس مقطع پیش‌دانشگاهی داشته‌باشم، در وهله نخست ردیف جلو کلاس را انتخاب نمودم تا تمرکز بیشتری بر روی درس اساتید داشته باشم، با قرار گرفتن در ردیف جلو همچنین امکان شوخی و بازیگوشی تا حد زیادی نیز از شما سلب می‌شود (بواسطه اینکه حس می‌کنید بیشتر از سایر دانش‌آموزان تحت نظارت و کنترل معلم هستید) و مجبورید آرام‌تر بوده و ناخودآگاه همین آرام‌تر بودن و نزدیکی فیزیکی به معلم به یادگیری بیشتر و بهتر مفاهیم درسی کمک می‌کند. البته سالهای قبل نیز به همین شکل همواره سعی می‌کردم در ردیفهای جلو کلاس بنشینم، البته نه به این دلیل که استراتژی مشخصی داشتم بلکه صرفا به این دلیل که ردیفهای عقب (حداقل در کلاس درس ما) جایگاه بچه‌های شلوغ و پرشیطنت



کلاس بود که من را (به عنوان فردی بسیار آرام و ساکت) اذیت می‌کردند. احساس می‌کنم همین دلیل در نهایت بر موفقیتیم در کنکور کارشناسی اثرگذار بود.

نکته‌ای که در اینجا توجه شما را به آن جلب می‌کنم، اینست که مطلب فوق در مورد شخص من به عنوان فردی کمتر اجتماعی و درون‌گرا صحیح است، و در مراحل بعدی نیز یکی از نکاتی که من در به‌هنگام شرکت در آزمونهای چندگزینه‌ای سعی در رعایت آن داشتم (و هر جا که آن را رعایت نمودم موفقیتیم تقریباً تضمین شده بود) انجام کار خود (از ثبت نام در آزمون گرفته، تا مطالعه و آماده‌سازی، سفر به شهر و یا کشور محل برگزاری آزمون و...) بی‌سرو صدا و بدون از چشم دیگران و بدون درخواست هرگونه کمک و همراهی و یا شرکت در گروه‌های مطالعاتی بود. این کار به من کمک می‌کرد از یک طرف بر روی کار خود با آرامش کامل تمرکز نموده و از طرف دیگر دچار استرس اضافی (ناشی از تحمل سرافکنندگی در برابر دوستان و آشنایان، در صورت عدم موفقیت احتمالی در هر یک از این آزمونها) نمی‌گردیدم.

با این حال ممکن است برای اشخاص برون‌گرا پیشنهادات من صددرصد مفید نباشد، اما به عنوان یک قاعده کلی توصیه می‌کنم درست مانند تیم‌های ورزشی، شما نیز سعی کنید تا حد امکان بی‌سرو صدا کار خود را پیش برده و از حواشی دوری کنید، و جز در مورد افرادی که همکاری آنها واقعا مفید فایده است، حضور



مستقیم و غیر مستقیم، دوستان و آشنایان و همکاران خود را در فرآیندی که با هدف موفقیت در آزمون تستی پیشروی خود دنبال می‌کنید، به حداقل کاهش دهید.

نکته دوم اینکه با وجود اینکه فرد درس خوانی نبودم (معدل دیپلم یعنی معدل سال قبل از دوره پیش دانشگاهی ۱۴/۹۰ بود) سال آخر (استثنائاً نه به صورت ناخودآگاه، بلکه خودآگاه و با هدفمندی خاصی) در ردیف جلو پیش زرنگترین شاگرد مدرسه که معدلش همیشه ۱۸ و ۱۹ بود نشستم و با وی خیلی ساده دوست شدم، این دوستی در نهایت به من کمک نمود که خواسته و ناخواسته خود را در سطح وی ارتقاء داده و نمرات خود را افزایش دهم، همچنین در مواردی نیز که ضعف داشتم، وی به خوبی می‌توانست سوالات مرا پاسخ گوید، در نهایت رتبه من در کنکور از او هم بیشتر شد و از شهر خود (بیجار) به تهران و دانشگاه تهران آمدم و او به مشهد رفت.

در خصوص نحوه درس خواندن، همانگونه که گفتم دوستی با زرنگترین شاگردان مدرسه به من کمک نمود که خود را ارتقاء دهم، هر چند به هیچ عنوان از زحمات معلمین واقعا تلاشگر و عزیزی که داشتم نمی‌توانم بگذرم، اما از آنجا که این کتاب به بحث اهمیت غیرقابل انکار تدریس زیر نظر اساتید دلسوز و مسلط و خوش‌بین اختصاص ندارد، بیش از این در این باب نخواهم نوشت. هدف فقط عرض اراداتی



بود خدمت تک تک آن اساتید (بلااستثناء)، اساتیدی که از آوردن اسامیشان در اینجا معذورم.

اما مهمترین نکته‌ای که در مورد شیوه درس خواندن خود قبل از کنکور کارشناسی به یاد دارم، شیوه‌ای که در آزمونهای تستی بعد نیز مشخصا و به کرات مورد استفاده من قرار گرفت، تمرکز بر روی حل سوالات تستی بود.

در واقع من پس از کسب تسلط نسبی بر مفاهیم درسی بصورت قوی به سراغ آزمونهای تستی کنکور سالهای قبل رفته و با حل آنها از یک طرف با حال و هوای سوالات کنکور آشنا شده و از طرف دیگر ذهن خودم را (از لحاظ کسب آمادگی برای حل سریع سوالات) با محدودیتهای زمانی کنکور تطبیق می‌دادم، و مهمتر از آن از اینکار جهت رفع نقایص درسی خود و تسلط بیشتر بر مفاهیم درسی استفاده می‌نمودم، در واقع بسیاری از مفاهیم را همزمان هم به صورت مستقیم و از طریق اساتید و معلمان و کتابهای درسی و به صورت غیر مستقیم و از طریق آزمون و خطا و حل سوالات تستی یاد گرفتیم.

به عنوان نمونه عملا من به صورت رسمی و کاملا حرفه‌ای از ۹ ماه قبل از کنکور با تهیه کتب کامل نمونه سوالات تستی از موسسات آموزشی مطرح آن زمان (و بدون حضور در حتی یک کلاس کنکور) حرکت به سمت شرکت در کنکور و مواجهه با سوالات چهار گزینه‌ای را آغاز نمودم.



البته با وجود آنکه در زمان ما و در شهر ما (خوشبختانه) کلاسهای کنکور و کنکورهای آزمایشی خاصی وجود نداشت، من یکبار برای ورود به دوره پیش‌دانشگاهی و یکبار نیز تحت عنوان کنکور آزمایشی در دوره پیش‌دانشگاهی، شرایط واقعی کنکور را تا حدودی تجربه نمودم که احساس می‌کنم برای نوجوانی در آن سن و سال کفایت می‌کند، چرا که شرکت بیش از حد در کنکورهای آزمایشی به فرض هر ماه یکبار (با آن شرایط طاقت‌فرسا) احتمالاً باعث خستگی دانش‌آموز و شاید زده شدن وی از کنکور گردد.

البته لازم به ذکر است در دوره پیش‌دانشگاهی مدرسه ما یک کلاس دو ساعته آشنایی با کنکور برای ما برگزار نمود که تنها نکته بدرد بخور در این کلاس سراسر نامفهوم و بی‌خاصیت ضرب‌المثلی بود خارجی که توسط مدرس کلاس بیان شد، به این مضمون که از دو مسیر، مسیری را انتخاب کن که اول به ذهنت

می‌رسد، این توصیه در واقع آخرین پیشنهاد به شرکت‌کنندگان در آزمونهای چهارگزینه‌ای است، زمانی که با سوالی مواجه می‌شوند و نمی‌توانند جواب دقیق را پیدا کنند، معمولاً بواسطه تسلط اندک خود به جواب نزدیک می‌شوند (نیمی از گزینه‌ها را غربال کرده و به دو گزینه نهایی به عنوان جوابهای ممکن می‌رسند) اما با تسلط و اطمینان نمی‌توانند جواب نهایی را پیداکنند. این ضرب‌المثل در تمامی آزمونهای تستی که شرکت نموده‌ام نیز همواره همراه من بوده و فقط با تجربه و



تمرین می‌توان به عمق مطلب رسید، و عملاً در اینجا قادر به ارائه هیچ توضیح دیگری در خصوص نحوه استفاده بهینه از این ضرب‌المثل در سر جلسه آزمون نیستیم.

از دو روز قبل از آزمون نیز کلا درس خواندن را کنار گذاشته و این دو روز را استراحت مطلق کردم، در واقع در اکثر آزمونهایی که تا امروز شرکت کرده‌ام، بویژه آزمونهای که محتوای سنگینی داشته و نیازمند چندین ماه آماده‌سازی بودند، حداقل یک روز یا چند ساعت قبل از آزمون را صرف رهاسازی خود از استرس نمودم، که این فقط شامل کنار گذاشتن درس خواندن نبود، بلکه شامل گردش، تفریح و سایر روشهایی بود که هم نشاط جسمی و روانی برای من به بار آورد و هم ذهنم را کاملاً از آزمون دور نموده و کمک نماید در روز آزمون با ذهنی باز و سبک در سر جلسه حاضر شوم

در خصوص روز آزمون نیز نکته مشخص و قابل ذکری وجود ندارد جز همان استرس‌های رایج، بگونه‌ای که کف دستهایم مرتب عرق می‌کرد، البته از آنجا که از تجارب خود در آزمونهای قبلی این نکته را می‌دانستم، یک برگ کاغذ اضافی تهیه نموده‌بودم که آن را زیر دست خود قرار می‌دادم تا برگه پاس‌نامه خیس نشود. در تمامی مدت جلسه نیز بدون انقطاع سر جای خود نشسته‌بودم و تستها را حل می‌کردم، حتی کوچکترین وقتی برای خوردن و نوشیدن آبمیوه و بیسکوییتی که به



ما داده بودند نیز اختصاص ندادم، هر چند در آزمونهای بعدی در این روش تست زنی یکسره و بدون رفع خستگی تغییراتی ایجاد نمودم، که در بخشهای بعدی بدان اشاره خواهم نمود.

نکته دیگری که به یاد می آورم اینست که محل برگزاری آزمون کنکور کارشناسی بسیار به منزل ما نزدیک بود، که این رویداد تصادفی نیز در افزایش آرامش و کاهش فشار روانی بر من، بسیار موثر افتاد.



فصل دوم

کنکور کارشناسی ارشد

هر زمان برای شرکت در آزمون چهارگزینه‌ای از منزل خارج شدم (گاهی برای بیش از یک آزمون در روز) دست پر بازمی‌گشتم، اما متأسفانه روز شرکت در کنکور کارشناسی ارشد تنها روزی بود که برای شرکت در یک آزمون چهارگزینه‌ای از منزل خارج شده و دست‌خالی برمی‌گشتم. بار اول به قول معروف جهت دست‌گرمی و آشناسدن با حال و هوای کنکور و بدون حتی یک دقیقه مطالعه در این آزمون شرکت کردم. امروز که بگذشته نگاه می‌کنم به نظرم می‌آید که اینگونه شرکت کردن در آزمون‌ها ناشی از دیدگاهی است که فقط از جانب افرادی بروز و ظهور می‌یابد که یا کلاس‌سست‌هستند و یا در برخی موارد (مثل من) روحیه جنگندگی خود را از دست داده و موقتاً تبدیل به فردی سست‌عنصر می‌شوند، اگر قصد شرکت در آزمون را دارید، حتی اگر وقت کافی برای آماده شدن ندارید، اشکالی ندارد با جدیت و تمام وجود به سمت آزمون حرکت کرده و در آن شرکت کنید، نه فقط بخاطر اینکه وقت طلاست، فرصتها از دست می‌روند و...، بلکه به



این دلیل که روحیه عدم جدیت برای شرکت در یک آزمون و باری به هر جهت بودن همیشه و برای آزمونهای بعدی نیز (البته با شدتی کمتر) در عمق جان شما باقی خواهد ماند.

جز برای موفقیت (و حتی کسب رتبه) در هیچ آزمونی شرکت نکنید، مهم نیست کمتر از دیگران مطالعه کردیده و یا اینکه به دلیل مشکلات شخصی در آستانه آزمون ها و کنکورهای خود و یا حتی در روز و ساعت آزمون آمادگی ذهنی و جسمی خود را از دست داده‌اید، مهم حفظ روحیه و همچنین جدیت شما برای کاری است که می‌خواهید انجام دهید، کاری که وقت، انرژی و هزینه صرف آن نموده‌اید.

اما در مورد داستان دومین و آخرین آزمون کارشناسی ارشد که در آن شرکت نموده و قبول شدم باید بگویم که قبل از هر چیز مطمئناً این را شنیده‌اید که برخی افراد خاص با خواندن سخن شخصیت بزرگ و فرزانه‌ای متحول شدند و به موفقیت‌های کوچک یا بزرگی در زندگی دست یافتند. (از نظر من موفقیت کوچک و بزرگ با هم فرقی ندارد هر دو به انسان اعتماد به نفس داده وی را شاد کرده و او را برای کسب موفقیت‌های بزرگتر آماده می‌کند، بنابراین لزومی ندارد همیشه بدنبال موفقیت‌های بزرگ باشیم، موفقیت‌های کوچک هم می‌تواند ما را راضی و سرشار کند) در مورد من و بویژه در ارتباط با این آزمون خاص که در آن شرکت



نمودم، این جمله توسط هم اتاقی من که شخصیت برجسته‌ای نبوده و نیست و احتمالاً شخصیت بزرگی هم در آینده نخواهد شد بیان شد، مطلبی که گفت این بود: " قبول شدن در کنکور فوق لیسانس کاری ندارد کافی است دو ماه مثل بچه آدم بشینی درستو بخونی " مطمئناً قبول دارید که جمله حکمیانه و یا حاوی نکات ظریف علمی و یا حتی استعاره‌های ادبی تکان‌دهنده‌ای نیست. ولی در هر موردی از آزمون ورودی کارشناسی ارشد و حتی کارشناسی گرفته تا دکترا و سایر آزمونهای تخصصی ملی و بین‌المللی واقعیت همین است، اولاً این نکته را باید به ذهن بسپارید قبول شدن در این آزمونها کاری ندارد و نیازی به استعداد و یا پشتکار و تلاش خارق‌العاده‌ای نیست، هر چند از آنجا که محیط رقابتی است، باید تلاشی سنگین برای قبولی نمود، آنهم یک قبولی با کیفیت و دسترسی به دانشگاههای معتبر کشور، اما این رقابت دلیل نمی‌شود که من و شما روحیه خود را ببازیم، مهم اینست که هیچ نکته مبهمی وجود ندارد، سرفصلهای آزمونها، منابع مورد نیاز جهت مطالعه و نمونه سوالات جهت آشنایی با ماهیت آزمونها (از کارشناسی گرفته تا دکترا و همچنین سایر آزمونهای تخصصی) به صورت مشخص و شفاف در دسترس قرار دارد، بنابراین اگر خیلی ساده وقت بگذارید و مطالعه کافی داشته‌باشید، هیچ دلیلی وجود ندارد که نتوانید قبول شوید.



لذا نتیجه می‌گیریم که بهتر است بنشینید و مثل بچه آدم درس بخوانید، بیش از حد هم دنبال تفریح نروید، بر روی هدف خود تمرکز کنید. اگر از من در مورد شانس قبولی دو نفر با شرایط متفاوت پیش از یک آزمون مهم ملی و یا بین‌المللی (فرقی نمی‌کند آزمون ارشد باشد یا دکترا و یا ...) سوال کنید، اولی ۳۰۰۰ ساعت وقت آزاد داشته و از این وقت آزاد خود ۱۰۰۰ ساعت را به مطالعه و کسب آمادگی برای قبولی در آزمون اختصاص داده و فرد دیگر تنها ۱۰۰۰ ساعت وقت آزاد داشته و از این وقت آزاد خود ۷۰۰ ساعت را جهت کسب آمادگی برای شرکت در آزمون صرف نموده باشد، هر چند بر روی کاغذ شانس فرد اول برای قبولی بیشتر است، اما از نظر من احتمال قبولی فرد دوم نه‌تنها از اولی پایین‌تر نیست بلکه بالاتر نیز هست، چرا که شاید به صورت مطلق دومی وقت کمتری را برای مطالعه و کسب آمادگی برای شرکت در آزمون صرف نموده باشد (۷۰۰ ساعت در برابر ۱۰۰۰ ساعت)، اما به صورت نسبی، نسبت به فرد اول جدیت و تمرکز و تلاش بیشتری نموده و به نظر من این از لحاظ روحی و روانی نیز باعث می‌شود ذهن خودآگاه و ناخودآگاه فرد دوم انرژی و قابلیت بیشتری جهت جذب و فهم مطالب خوانده شده (نسبت به فرد اول) به خرج دهد. و در نتیجه شاید این اختلاف در میزان وقتی که دو نفر جهت مطالعه صرف نموده‌اند جبران شود، علت اینکه این مطالب را با این اطمینان بیان میکنم این است که واقعیت‌هایی که بنده



در تجارب شخصی خود و در مواجهه با آزمونهای تستی مختلف بدان دست یافته‌ام، آن را تایید می‌کند. من در بسیاری از آزمونهایی که در طول زندگی‌ام در آن شرکت نموده‌ام شاید کمتر از بسیاری دیگر از دوستان و همکاران و یا رقبای خود وقت جهت مطالعه در اختیار داشتم، اما همان وقت اندک را با تمرکز و جدیت و تلاش، بسیار با کیفیت نمودم.

نمونه بارز این جدیت (پیش از این در همین بخش کتاب مقوله جدیت به هنگام شرکت در سر جلسه آزمون مورد اشاره قرار گرفت) در کسب آمادگی برای آزمون، شرایطی بود که به هنگام آزمون دوم کارشناسی ارشد با آن مواجه بودم. به هنگام شرکت در آزمون دوم کارشناسی ارشد، به نسبت سالی که در آن آزمون اول را داده بودم بیش از پیش جذب بازار کار شده بودم و عملاً فرصتی برای مطالعه تا چند هفته پیش از آزمون نیافتم، در شرکت محل کارم بر روی یک پروژه مربوط به یک کارخانه در شمال کشور فعال بودیم، مرتب به شمال سفر کرده و عملاً هیچ مطالعه‌ای انجام نداده بودم، تا اینکه حدوداً سه هفته قبل از آزمون کارشناسی ارشد به دلایلی پروژه ما به صورت موقت متوقف گردید، من از فرصت پیش آمده نهایت استفاده را بردم و مطالعه خود را آغاز نمودم، جهت مطالعه نیز کتابهایی که تا حدودی منطبق با سرفصلهای آزمون بودند و توسط اساتید معتبر داخلی و خارجی تالیف گردیده بودند را تهیه کردم، از نظر من هر چند انطباق کتب مورد



مطالعه با سرفصلهای آزمون از اهمیتی تام و تمام برخوردار است، اما به هیچ عنوان نباید در هر رشته‌ای از مطالعه کتابهای مرجعی که به صورت کاملاً استاندارد و بی نقص توسط اساتید برتر آن رشته نگاشته شده غفلت نمود. در ادامه نیز کتابی مشتمل بر تمامی سوالات چهار گزینه‌ای آزمونهای قبلی رشته مورد نظر خود را تهیه کرده و عملاً در طول حدود دو الی سه هفته به صورت فشرده کتابها را مطالعه نموده و قسمت اعظم آزمونهای تستی سالهای قبل را نیز حل کردم.

لازم به ذکر است که با وجود کمبود وقت سعی نمودم به گونه‌ای هوشمندانه‌تر خود را برای این آزمون آماده نمایم، در واقع این اولین و شاید موفق‌ترین آزمونی بود که من در آن بر اساس یکسری استراتژیهای دقیق آماده‌سازی پیش از آزمون، خود را آماده نمودم؛ مراحل کار به شرح ذیل بود:

اول اینکه آمادگی جسمی ذهنی و سلامت کامل در سر جلسه آزمون بسیار مهم و اثرگذار است، بویژه اینکه آزمونهای تستی بر روی صندلیهای چوبی سفت و غیر استاندارد و بمدت سه تا چهار ساعت متوالی برگزار می‌شوند، عملاً فشار جسمی شدیدی بر انسان وارد نموده، فشاری که به شکل ناخوشایندی نتیجه آزمون را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. بنابراین در وهله نخست من به عنوان فردی که عملاً از ورزش‌گریزان است و کلاً در طول زندگی از آمادگی جسمی پایینی برخوردار بوده و هستم، برنامه ورزشی روزانه مشخصی برای خود از طریق ثبت‌نام



در یک باشگاه بدنسازی (صرفاً جهت استفاده از وسایل آن جهت تمرین و نه بدنسازی) آغاز نمودم تا بتوانم هم سلامتی و نشاط جسمی خودم را در طول این دوره فشرده مطالعاتی حفظ کنم و هم در سر جلسه آزمون با هیچ مشکل و فشاری مواجه نگردم.

در وهله بعد از کتابخانه دانشگاه محل تحصیلم یکی از کتابهای اولیه آنتونی رابینز را به امانت گرفتم، که بر خلاف بیشتر کتابهای موفقیت، علاوه بر اینکه درسهایی از موفقیت و افزایش اعتماد به نفس و شادابی می‌داد، در دل آن به بسیاری از نکات پزشکی و تغذیه‌ای و... که در کسب سلامت و موفقیت به انسان کمک می‌کند، قرار داشت، علاوه بر اینکه با مطالعه این کتاب سعی می‌کردم حالات روحی و روانی خود را بهبود بخشم، از توصیه‌های تغذیه‌ای و ... آن نیز استفاده نمودم.

موضوع بعدی اینکه علاوه بر استفاده از توصیه‌های کتاب آنتونی رابینز، خود نیز از قبل یک برنامه غذایی سبک برای خودم طراحی نمودم، که خیلی ساده بود و عبارت بود از حذف برنج از وعده‌های غذایی، بدون آنکه مادرم را مجبور به پختن غذاهای خاص نمایم، صرفاً برنج را از وعده‌های غذایی خود حذف نمودم تا به سبکی بیشتر خود بعد از خوردن غذا و راحتی هر چه بیشتر در فرآیند مطالعاتی که پیش‌رو داشتم کمک نمایم. این امر علاوه بر اینکه در طول دوره آزمون باعث



ایجاد احساس سبکی در من شد، با کاهش فشار بر معده و سایر دستگاههای گوارشی برخی مشکلات نظیر ترش کردن معده (که من گاهی با آن دست بگریبان بودم) را نیز از من دور نمود. به این ترتیب از اندک زمان خود به بهترین شکل استفاده نمودم.

به روند فوق ادامه دادم تا به روز آزمون رسیدم، تا آنجا که به یاد دارم آزمون بعد از ظهر بود، من به همان برنامه غذایی خود ادامه دادم و با خوردن یک غذای سبک (فقط مرغ خالی) در سر جلسه آزمون شرکت نمودم، برخی در این حوزه راه افراط پیمودند و کلا غذا نخوردند با این استدلال که معده قسمتی از خون مغز را جهت هضم غذا به سمت خود هدایت می کند و با خالی نگه داشتن معده، خون بیشتری به مغز رسیده و بهتر از عهده آزمون بر خواهیم آمد.

از نظر من همیشه باید به اصول توجه نمود و بیش از حد کمال گرا نبود، اصل، حضور در سر جلسه آزمون به صورت کاملا سالم و سر حال است که این سلامت از طریق ورزش متعادل و تغذیه سبک حاصل می شود، رسیدن خون زیاد به مغز مهمتر از سلامت کامل جسمی و احساس هر گونه عدم تعادل (گرسنگی نیز نوعی عدم تعادل حاد و جدی است) سر جلسه آزمون نیست، اگر اینطور بود که بهتر بود اصلا با برخی ابزارهای پزشکی کلا رگهای پاهای خود را می بستیم تا از آن طرق خون بیشتری به مغز برسد. بنابراین توصیه من این است به جای کمال گرا بودن



در این حوزه‌ها، به اصول توجه کنید؛ اصولی که در همه حوزه‌ها قرن‌ها چراغ راه هدایت انسانها بوده‌است، باور کنید لازم نیست برای آموزش این اصول سر کلاس برویم و یا کتاب خاصی بخوانیم، چون چنین کتب و کلاس‌هایی وجود ندارد، این اصول از ازل در جسم و روح ما حک شده، و کفایت خیلی ساده و بی‌آلایش بیان‌دیشیم تا پیش روی ما بدرخشند، از ابتدا تا انتهای این کتاب این اصول به صورت مستقیم و غیر مستقیم مورد اشاره قرار خواهند گرفت.

به عنوان نمونه شما خود را برای یک آزمون تستی آماده می‌کنید، نه یک آزمون تشریحی و یا یک آزمون شفاهی از بر خوانی، بنابراین اصل اینست که بصورت متناسب خود را آماده کنید، کسی که میخواهد شنا بکند، نباید انتظار داشته باشد با تمرین سوارکاری در مسابقه شنا موفق شود، نباید انتظار داشته باشد همانگونه که در دوران تحصیل برای شرکت در آزمونهای کتبی تشریحی و شفاهی به صورت تدریجی خود را آماده می‌نمودید، در اینجا نیز به همان شکل خود را آماده نمایید و انتظار موفقیت داشته‌باشید، در وهله اول شما با آزمون تستی مواجهید بنابراین به تستی خواندن بپردازید و نه صرفاً تشریحی خواندن، البته برای استوار کردن پایه‌های علمی خود باید به صورت تشریحی تمامی مطالب درسی و سرفصلهای آزمون تستی که قصد شرکت در آن را دارید بخوانید، اما هنگامیکه به زمان آزمون



نزدیک و نزدیک تر می‌شوید باید بر حجم مطالعات و آزمونهای تستی خود بیافزایید و تشریحی خوانی را عملاً کنار بگذارید.

در نهایت با رعایت توصیه‌ها و اصول بیان شده در سطور پیشین در این آزمون نیز قبول شده و مجدداً به دانشگاه تهران راه پیدا نمودم.



Eco-lib.com

فصل سوم

آزمون مقدماتی (نماینده‌گی ۲) بورس اوراق بهادار

این فصل و چند فصل آینده به داستان حضور من در برخی از آزمونهای تخصصی مالی و آزمونهای مرتبط با سازمان بورس و اوراق بهادار اختصاص دارد، این آزمونها هر چند مانند آزمونهای ورودی کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکترا شناخته شده نیستند، اما از نظر نحوه برگزاری و کیفیت سوالها و شرایط آزمون و... مشابه آزمونهای ورودی دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکترا هستند. لذا احساس می‌کنم تجاربی که در این آزمونها بدست آوردم نیز برای کسانی که قصد شرکت در آزمونهای دیگری نظیر کنکور کارشناسی و... را دارند مفید فایده باشد.

سال ۱۳۸۷ در آزمون مقدماتی بورس اوراق بهادار که امروز به دو آزمون اصول بازار سرمایه و آزمون معامله‌گری بورس اوراق بهادار تفکیک شده است، شرکت نمودم. در آن دوره من به دلیل علایق شخصی خود در حوزه مباحث مالی و



سرمایه‌گذاری، پس از مدتی جستجو موفق شدم در یک شرکت مشاوره خدمات مالی و سرمایه‌گذاری مشغول به کار شوم، در این شرکت با گواهینامه‌های تخصصی سازمان بورس و اوراق بهادار آشنا شدم و احساس کردم برای من که مدرک کارشناسی ارشد مدیریت مالی نداشته و در عین حال بدنبال فعالیت در حوزه مالی هستم، این مدارک تخصصی جایگزین خوبی به جای مدرک تحصیلی در رشته مدیریت مالی خواهد بود، بنابراین تصمیم به شرکت در این آزمونها گرفتم، اولین آزمون، آزمون اصول مقدماتی بازار سرمایه بود، هر چند من به دنبال جایگزینی برای مدرک کارشناسی ارشد مدیریت مالی برای خود بودم، اما از آنجا که این هدف به صورتی شفاف و منسجم در ذهن من شکل نگرفته بود، لذا خیلی دیر در آزمون فوق‌الذکر ثبت‌نام نمودم و پیش از آزمون هیچ کتابی را جهت مطالعه خریداری ننمودم و فقط به دانش خود در حوزه مالی اکتفا نمودم، لازم به توضیح است که من به خاطر علاقه به حوزه مدیریت مالی همواره در حال مطالعه کتب این رشته بودم و بنابراین هر چند بصورت ویژه برای این آزمون آماده نگردیدم، اما در عمل از بنیه علمی بالایی برای شرکت در آزمون برخوردار بودم. دقیقا مشابه شرایطی که در آزمون کارشناسی ارشد با آن مواجه بودم، در آنجا هر چند اشاره نمودم که برنامه‌های ورزشی و تغذیه‌ای و مطالعاتی خاصی برای خود طراحی نموده‌بودم، اما مطمئنا اگر بنیه علمی قبلی من و ارتباطی که از قبل با



رشته‌ای که می‌خواستیم در آن آزمون بدهیم و آشنایی با مفاهیم و موضوعات مطرح در جلسه آزمون نبود، مطمئنا حتی با یک استراتژی و برنامه دقیق، فشرده و هوشمندانه نیز باز قبول نمی‌شدم.

از این توضیحات که بگذریم من با این حال با وجود مشغله کاری و دوری راه (منزل ما در کرج قرار داشت و در طول ۱۰ سال گذشته من عملا هر روز برای کار و تحصیل وقت زیادی در حد ۴ ساعت در روز را صرف رفت و برگشت به/از کرج می‌نمودم، بنابراین همانگونه که متوجه شدید در تمامی آزمونهایی که طی ۱۰ سال خیر شرکت نمودم به خاطر همین مشکل، وقت بسیار ناچیزی برای آماده سازی خود پیش از هر آزمونی که در آن شرکت کرده بودم، داشتم، اما از این وقت به شایسته‌ترین شکل ممکن استفاده کردم) از یک هفته قبل از آزمون مطالعات جدی خود را شروع نمودم و با توجه به کمبود وقت به جای مطالعه کتبی که در اختیار داشتم به مطالعه فایل‌های ارائه (Presentation) این کتب که عملا به صورت خلاصه مهمترین مفاهیم را در خود گنجانده بود پرداختم، هر چند به هنگام شرکت در آزمون‌ها این کار را به عنوان یک راه‌حل میانبر جهت رسیدن به موفقیت پیشنهاد نمی‌کنم، اما مطمئنا استفاده از این روش در کنار مطالعه متن کامل کتب تخصصی مربوطه (به عنوان مکمل و مرور مجدد مفاهیم کتاب) و بویژه استفاده از این روش هنگامی که توان مطالعه کامل همه منابع و کتب در دسترس



را نداریم، به عنوان آخرین راه حل و راه جایگزین، بسیار مفید و اثرگذار خواهد بود، همانگونه که برای من فواید بسیاری در بر داشت.

همچنین بیشتر وقت خود را به حل سوالات تستی دوره های قبل که در اختیار داشتم، اختصاص دادم (دقیقا همان کاری که در تمامی آزمونهای تستی که من در آن شرکت نموده ام، ستون فقرات و هسته مرکزی فرایند آماده سازی من به سمت آزمون را تشکیل داده است).

یکی دیگر از دوستانم در شرکت تامین سرمایه نوین (که اکنون چندسالی است متاسفانه خبری از او ندارم) نیز مردد بود که در این آزمون شرکت نماید یا خیر، با اصرار من او نیز در این آزمون البته با کمک من ثبت نام کرد، روز آزمون مانند خیلی دیگر از افراد با بی حوصلگی سر جلسه حاضر گردید، چند سوال تستی را حل نمود و خیلی زود جلسه آزمون را ترک نمود، مطمئنا در بسیاری از آزمونهای تستی و بویژه آزمونهایی که حالت رقابتی نیز دارند از اینگونه افراد بسیارند، کسانی که عملا و به صورت مستقیم و غیرمستقیم شانس موفقیت شما را افزایش می دهند، بنابراین مجددا تاکید می کنم، حتی اگر بواسطه مشکلاتی نتوانستید آمادگی لازم برای شرکت در آزمونی را بیابید، دلسرد نگردید و با اعتماد بنفس و با تمام انرژی در سر جلسه آزمون شرکت کرده و برای تک تک سوالات آزمون اهمیت قائل شوید، وقتی در آزمونی شرکت می کنید خود را فردی در نظر بگیرید که در



طول یکسال گذشته جز مطالعه و کسب آمادگی برای این آزمون کار دیگری نکرده و با این دیدگاه برای لحظه لحظه وقت خود در سر جلسه آزمون برنامه‌ریزی داشته باشید.

در ادامه مطلب فوق (در خصوص خیل افرادی که با بی‌هدفی و عدم جدیت در آزمونهای مختلف شرکت می‌کنند) چند نکته جالب توجه در مورد خودم خدمت شما عرض می‌کنم، نکته اول اینکه شاید علت اصلی اینکه در آزمونهایی که مدت کمی نیز برای آنها مطالعه نموده‌ام با جدیت شرکت میکنم، ویژگی خانواده ماست، من در خانواده‌ای بزرگ شده‌ام که به شدت مقتصد است، وقتی در آزمون مقدماتی بورس اوراق بهادار می‌خواستم شرکت کنم، که در آن زمان هزینه ثبت‌نام در این آزمون کمتر از ۲۰ هزار تومان بود، این مبلغ کاملاً نظر من را به سمت خود جلب کرد و اصلاً به دنبال این نبودم که پولی را برای آزمونی بپردازم که امید حصول نتیجه از آن نمی‌رود، برخی افراد اما نه، این مبلغ را می‌پردازند و عملاً به دنبال کسب بازدهی از پولی که پرداخته‌اند نیستند، در واقع شاید بتوانم بگویم یکی دیگر پایه‌های موفقیت من طی چندسال گذشته همین مقتصد بودن و حساسیت شخصی بنده در خرج کردن پول بوده است.

نکته دیگر اینکه در این آزمون بود یا در آزمون دیگری (دقیقاً به یاد ندارم) در منزل با پدرم صحبت می‌کردم و به او گفتم که خیلی درس نخوانده‌ام و امیدی



برای موفقیت نیز ندارم، پدرم با بی خیالی و با حالتی که این دیگاه من را مسخره می نمود مهمترین نصیحت عمرش را به من در قالب یک بیت شعر بیان کرد، او به من گفت خیلی ها با جدیت در این آزمون شرکت نمی کنند و سیاهی لشکری بیش نیستند و به قول فردوسی:

سیاهی لشکر نیاید بکار *** یکی مرد جنگی به از صد هزار**

در آن آزمون و در تمامی آزمونهای بعدی این شعر همیشه و بلااستثنا به یاد من می آمد و عملا نیز از آن به بعد تا امروز در موفقیتهایی که کسب نمودم نقش داشت.

خلاصه اینکه با این شعر وارد جلسه آزمون گردیدم، که اتفاقا در محل دانشکده مدیریت دانشگاه تهران نیز برگزار می شد. با دقت و با در نظر داشتن زمانی که در اختیار دارم بر روی تک تک سوالات، حتی آنهایی که کوچکترین مطالعه مستقیمی بر روی آنها نداشتم، تمرکز نمودم و در نهایت (هر چند با نمره ای نه چندان قوی) قبول گردیدم.

Eco-lib.com



Eco-lib.com

فصل چهارم

آزمون تحلیلیگری بورس اوراق بهادار

پس از قبولی در آزمون مقدماتی بورس اوراق بهادار، برای اخذ سایر گواهینامه‌های تخصصی سازمان بورس بمنظور حضور حرفه‌ای‌تر در بازار سرمایه ایران و فعالیت در حوزه‌های مالی و سرمایه‌گذاری عزم جزم‌تر شد. بخصوص اینکه باید به سربازی هم می‌رفتم و از این لحاظ وقت غیرمولد بسیاری پیدا می‌کردم، و احساس می‌کردم از طریق شرکت در آزمونهای بورس تا حدی دوران سربازی‌ام پربارتر می‌گردید. علی‌ایحال اسفند ۱۳۸۷ به خدمت سربازی اعزام شدم و تا اوایل اردیبهشت دوره آموزشی سربازی خود را در پادگانی در یک محدوده غیرمسکونی بین کرج و قزوین سپری نمودم، دوری پادگان و عدم امکان مراجعت به منزل در آخر هفته (جهت استراحت و تجدید قوا) و همچنین سیستم حاکم بر پادگان



(انضباط سخت و دقیق ارتشی) فشار زیادی به بنده و دوستانم وارد آورد. قبل از سربازی و همچنین در طی دوره آموزشی سربازی، موضوع شرکت در آزمون تحلیلگری بازار سرمایه مدنظرم قرار داشت اما به صورت جدی پیگیر آن نشده بودم، پس از بازگشت از دوره آموزش و استقرار در محل خدمتم (به عنوان یک کارمند در قسمت آموزش یک موسسه نظامی) پیگیر آزمونها شده و متوجه گردیدم تا زمان برگزاری آزمون تحلیلگری سه هفته بیشتر باقی نماده و طی چند روز آتی نیز ثبت نام به اتمام می‌رسد، هزینه ثبت نام حدود ۲۵ هزار تومان بود و پیش‌بینی می‌کردم حدود ۳۰ هزار تومان نیز هزینه خرید کتب تخصصی برای شرکت در آزمون شود، همانگونه که اشاره شد این هزینه‌ها برای فرد مقتصدی مثل من از یک طرف و عدم آمادگی اینجانب به دلیل خستگی مفرط ناشی از دوران آموزشی خدمت سربازی (آنهم در یک محیط ارتشی) که بوضوح در ظاهر بهم ریخته و آفتاب سوخته و همچنین کاهش وزن شدید من قابل لمس بود، مرا در زمینه شرکت در این آزمون که بسیار سنگین و سوالات آن نیز در سطح دروس مقطع کارشناسی ارشد مدیریت مالی بود، بشدت مردد نمود، با اینحال تصمیم به شرکت در آزمون گرفتم، پس از ثبت نام و مشاوره جهت تهیه کتب مورد نیاز، و خریداری آنها، عملاً حدود ۱۵ روز تا زمان آزمون تحلیلگری بازار سرمایه، (آزمونی که مانند کنکور کارشناسی ارشد با سرفصلهای متعدد و متنوع ۴ ساعت فرساینده طول



خواهد کشید) وقت داشتم. در این مدت در محل خدمت سربازی و با مساعدت افسران ارشد خود موفق شدم با کمترین مزاحمت و در کنار انجام وظایف هر چند ناچیز روزانه خود، اما در محیط پر رفت و آمد و پرسرو صدای اداره آموزش، مطالعاتم را آغاز نمایم، و البته از حدود چهار روز مرخصی استحقاقی خود نیز در طی این دو هفته جهت کسب آمادگی هر چه بیشتر استفاده نمودم، در این مدت بواسطه ضعف جسمی دوران خدمت سربازی، مشکلات و درگیری‌های ذهنی مرتبط با رفت و آمد بین منزل و محل خدمت (از غربی‌ترین نقاط کرج به شرقی‌ترین نقاط تهران) عملاً فرصت و توانی جهت اجرای مجدد برنامه‌های آمادگی جسمانی و برنامه‌های ویژه تغذیه‌ای نداشتم، هر چند که دوران آموزشی سربازی عملاً توان جسمی من را به شدت ارتقاء داده بود و در این حوزه هیچ نیازی را حس نمی‌نمودم.

تنها استراتژی که در این دوره پیاده نمودم اولاً مانند آزمونهای قبلی خود همچنان تست‌زنی در حد بالا را سرلوحه کار خود قرار داده و حتی در مورد برخی دروس صرفاً کتابهایی که درسها را به صورت نکته‌وار توضیح داده و در ادامه سوالات تستی مربوط به آن درس در کنکورهای سراسری رشته مربوطه طرح و حل می‌نماید (کتابهای درس و تست) را خریداری و مورد مطالعه قرار دادم. البته لازم به ذکر است از آنجا که در دوره کارشناسی و بعضاً کارشناسی ارشد دروس



مرتبط با برخی از سرفصلهای آزمون تحلیل‌گری بورس را گذرانده بودم، استفاده از این کتابها و مرور مفاهیم درسی به صورت مختصر و مستقیم و یا یادآوری آنها به صورت غیرمستقیم (از طریق حل سوالات تستی) برای من کفایت می‌کرد.

در واقع یک اصل بسیار مهم که مطمئناً در بسیاری از کتابها با آن مواجه شدید و در این آزمونها نیز خود شخصا آنها را تجربه نمودم، بحث دارا بودن پایه علمی مناسب است، در تمامی آزمونهای تمام تستی که طی بیش از ۱۰ سال اخیر شرکت نمودم، متوجه شدم داشتن پایه علمی قوی (که از طریق مطالعه تدریجی و حتی تفریحی و منقطع طی سالها قابل دسترسی است) کمک می‌کند با اختصاص کمترین وقت و به شیوه مروری و حل تست و به صورت فشرده در سخت‌ترین آزمونهای تستی شرکت نموده و با کمترین دردسر قبول شوید. البته حتی اگر این پایه‌ها را نیز بطور کامل نداشته باشید (که در موارد متعددی در مورد شخص من نیز صادق بود) همانگونه که گفتم بهره‌گیری از یکسری استراتژیهای خاص مطالعه و آماده‌سازی فشرده (که در طول این کتاب مورد اشاره قرار گرفته است) در کمترین زمان ممکن به شما کمک می‌کند که برای آزمونهای تستی پیش‌روی خود آماده گردید.

دوماً در خصوص مطالعه کتبی که خریداری نموده بودم، بخصوص با توجه به اینکه آشنایی کلی با تمامی مفاهیم داشتم و نیازی به مطالعه منظم و یکپارچه در خود



احساس نمی‌کردم، بمنظور بالا بردن راندمان کاری خود (بر اساس تحقیقات انجام شده توسط روانشناسان) و همچنین ایجاد تنوع و جلوگیری از رخوت و خستگی زود هنگام در زمان مطالعه (بدلیل نیازی که به استفاده هر چه بیشتر از ساعات شبانه‌روز جهت مطالعه و صرف کمترین وقت جهت استراحت داشتم) روش مطالعه منقطع و نامنظم را برای خود برگزیدم؛ به این معنی که قسمتی از یک کتاب را خوانده سپس یک قسمت از یک کتاب و یک موضوع کاملاً متفاوت را می‌خواندم و الی آخر، البته لازم به یادآوریست که در آزمون کارشناسی ارشد نیز در مورد کلیدی‌ترین کتابی که برای آمادگی در آزمون نیازمند مطالعه آن بودم نیز همین کار را انجام دادم (البته پس از اینکه حداقل یکبار کتاب را به صورت پیوسته و منسجم خواندم) پس از هر بار خواندن هر صفحه‌ای از کتاب یک تیک بر روی آن می‌زدم و به این ترتیب به منقطع‌ترین شکل ممکن اقدام به مطالعه کتاب نمودم. در آزمون تحلیلی‌گری نیز با همین شیوه غیر پیوسته سعی نمودم خود را هر چه بهتر برای آزمون آماده کنم، البته لازم به ذکر است که دلیل اصلی انجام این کار توسط من، همان بحث جلوگیری از خستگی زودرس و کاهش زمانهای استراحتم بود و نه افزایش راندمان مطالعاتم چرا که تنوع ناشی از اینگونه مطالعات منقطع و نامنظم، خستگی ذهنی انسان را تا حد زیادی کاهش می‌دهد.



به این ترتیب مطالعاتم را در محل خدمت سربازی خود آغاز نمودم و چند روز منتهی به روز آزمون نیز با دریافت مرخصی استحقاقی به صورت فشرده تر و متمرکزتری مطالعاتم را استحکام بخشیدم.

در واقع یکی از مهمترین استراتژیهای من جهت حضور در آزمونهای تستی (که البته مطمئناً به صورت خودآگاه و ناخودآگاه توسط بسیاری دیگر نیز انجام می‌گیرد) افزایش قابل توجه حجم و کیفیت فرایند مطالعه و بویژه تست‌زنی در هفته آخر قبل از آزمون است. و در کنار آن توجه دقیق به بحث حفظ سلامتی، جلوگیری از خستگی و بالابردن نشاط و شادی خود از طریق مطالعه کتب موفقیت، دیدن فیلمهای طنز، خواب کافی و استفاده از مرخصی جهت کاهش دغدغه‌های ذهنی غیر مرتبط.

در واقع موارد ذکر شده در پاراگراف پیشین مهمترین اقداماتی بود که من انجام می‌دادم و احساس می‌کنم یکی از فوتیهای کوزه‌گری من به هنگام شرکت در آزمونهای تستی، همین نکاتی بود که در قالب چند سطر فوق توضیح دادم، نکاتی که به نظر توضیح واضحات می‌رسد اما برای من ارزشی فراتر از این حرفها داشته و دارد.

در روز آزمون نیز با همان صورت آفتاب سوخته، سر تراشیده شده و وضعیت جسمی نامناسب (و البته رو به بهبود) چون یک مرد جنگی در آزمون تحلیلگری



بورس که در آن زمان جایگاهی بسیار والا داشت (در محل دانشکده مدیریت دانشگاه تهران) شرکت نمودم. و در نهایت از بسیاری کسان دیگر که با وجود دارا بودن مدرک کارشناسی ارشد مدیریت مالی و فعالیت چندین و چند ساله در بورس، عملاً همچون سیاهی لشکری در این آزمون شرکت نموده بودند پیشی گرفته و موفق شدم.

یک نکته دیگر که البته خود اعتقاد خاصی بدان ندارم ولی احساس می‌کنم ممکن است اثرگذار باشد، همان چیزی است که در مسابقات ورزشی در سطوح بالا مطرح می‌شود. در مسابقات ورزشی قهرمانی معمولاً به تیم میهمان اجازه داده می‌شود حداقل یک جلسه پیش از مسابقه در زمین محل برگزاری مسابقه تمرین نموده تا با شرایط آشنا شود در مورد من نیز شاید همین تحصیل در دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، تردد من به این دانشکده و آشنایی و تسلطی که بر محیط داشتم به صورت غیر مستقیم باعث تسلط بیشتر من بر آزمون و در نهایت موفقیت در آن شد.

پیشنهاد می‌کنم به این ایده بیشتر فکر کنیم. به یاد می‌آورم در یک مقاله در روزنامه دنیای اقتصاد خواندم، یک مربی نسبتاً موفق فوتبال حتی نحوه جوراب به پا کردن بازیکنانش را هم مورد نظارت قرار می‌داد، در پاسخ به سوالی در مورد چرایی این کار او عنوان نمود که: شرایط داخل زمین و نحوه بازی تیم مقابل و



بسیاری موارد دیگر در طول مسابقه عملا از کنترل من خارج است پس چه بهتر که بر روی تمام آن چیزهایی که قابل کنترل است برای اثر گذاری بر آنچه که در دست من نیست تمرکز نمایم.

البته در وهله اول پیشنهاد من توجه به اصول است، اصولی که در هر فصل و در هر خاطره‌ای که در اینجا برای شما نقل می‌شود به برخی از آنها اشاره می‌کنم، توجه به مسائل فرعی انسان را از توجه به موضوعات عمده و اصلی باز می‌دارد، اما توصیه من اینست که در صورتیکه احساس می‌کنید توجه و تمرکزتان بر روی موضوعات اصلی فدا نمی‌شود، گاهی بر روی این موضوعات فرعی نظیر نکته اشاره شده در پاراگراف فوق نیز تاملی نمایید.

البته ایده کلی که در پس بحث فوق نهفته است، موضوع ایجاد حس تسلط است، وقتی شما درس می‌خوانید درست است که خود را برای آزمون آماده می‌کنید، اما از طرف دیگر عملا با هر چه بیشتر و دقیق‌تر خواندن مطالب مربوط به آزمون عملا حس تسلط بر سوالات را در خود افزایش می‌دهید، در اینجا اجازه بدهید یک مثال بزنم، مثالی که زاییده ذهن خودم است و تا امروز هیچ کار علمی و روانشناختی بر روی آن انجام نگرفته است، دو نفر داریم، اولی روزها و ماهها مطالعه نموده و خود را برای شرکت در یک آزمون سنگین آماده ساخته است، دومی هیچ مطالعه‌ای نداشته و صرفا در روز قبل از آزمون از طریق یک دستگاه



رویایی معلومات نفر اول را عینا به خود منتقل می‌کند، حال کدامیک موفق‌تر در آزمون ظاهر می‌شود، من به شخصه بر روی نفر اول شرط می‌بندم، چون در فرایند تدریجی مطالعه حس تسلط بر موضوع را نیز در خود تقویت نموده است.

علی ایحال این ایده را در ذهن خود داشته باشید و بدان بیشتر فکر کنید و راه‌حلهای جدیدی بر مبنای آن بسازید، ایده‌ای که اول بار از ورزش بویژه ورزشهای رزمی تن به تن نشات گرفته، شما برای پیروزی بر حریف (موفقیت در آزمون) باید از نظر ذهنی بر او غلبه کنید، با مطالعه کتب درسی مرتبط، با مطالعه آزمونهای تستی دوره‌های پیشین، با شرکت در آزمونهای آزمایشی (در حد محدود و غیر فرسایشی) با حضور در محل آزمون و شناسایی محیط پیش از روز برگزاری آزمون و... سعی نمایید تسلط خود بر محیط و شرایط آزمون و حتی خود آزمون را افزایش دهید، تا از این طرق بهتر بتوانید داشته‌های ذهنی خود را بر روی کاغذ از قوه به فعل درآورید.





فصل پنجم

آزمون های مقدماتی بورس کالا و معامله گری آتی

این آزمونها امروزه با عنوان معامله گری بورس کالا و معامله گری ابزارهای مشتقه شناخته می شوند.

حتما این موضوع را قبول دارید که هر موفقیت، اعتماد به نفس فرد برای دستیابی به موفقیت های بعدی افزایش می دهد، حتما این ضرب المثل را نیز شنیده اید که کار نیکو کردن از پر کردن است. مقصود من از بیان این جمله ها، از یک طرف تاکید بر این موضوع است که حتی اگر این کتاب و کتابهایی از این دست به صورت بی نقص دلایل موفقیت من و افرادی نظیر من را در آزمونهای تستی ارائه نموده باشد، بازهم خواندن این کتب باعث نمی شود بلافاصله و به صورت میانبر به کسب موفقیت های عجیب و غریب نائل شویم، به نظر من اصلی ترین مزیت اینگونه



کتابها این است که به ما کمک می کند تا مسیری را که دیگران پیموده اند، بی نقص و با ثبات بیشتری بپیماییم، و نه اینکه راه میانبری را در اختیار ما قرار دهند.

از طرف دیگر موفقیت های قبلی و تجاربی که کسب نموده بودم به من این اعتماد به نفس را داد تا در یک روز و همزمان در دو آزمون تستی مختلف (به صورت صبح و بعد از ظهر) شرکت کنم و البته در هر دو موفق ظاهر گردیدم. اما داستان پر حاشیه شرکت من در این دو آزمون از این قرار است:

بعد از اینکه آزمون تحلیلگری بورس اوراق بهادار را دادم عملاً و یا حداقل از نظر سازمان بورس و اوراق بهادار و شرکتهای کارگزاری من در نقطه اوج قرار داشتم و بیش از این مسیری برای ترقی بیشتر من وجود نداشت، هر چند سازمان بورس گواهینامه های تخصصی دیگری نیز داشت و برای اعطای آنها مانند گواهینامه مقدماتی و تحلیلگری بورس آزمونهایی برگزار می نمود، اما به لحاظ قانونی من فقط از یکی از گواهینامه هایم می توانستم جهت کار در شرکتهای کارگزاری استفاده نمایم، بنابراین پس از گرفتن گواهینامه تحلیلگری بازار سرمایه کار خود را در این حوزه تمام شده حس می کردم، اما احساس بطالتی که در حین دوره خدمت سربازی در من ایجاد شده بود در نهایت باعث گردید تا تصمیم بگیرم سایر گواهینامه های تخصصی سازمان بورس و اوراق بهادار را نیز اخذ نمایم، هدف من از این کار از یک طرف کاهش این احساس نامطلوب پوچی و بیهودگی از طریق اخذ



گواهینامه‌های سازمان بورس و از طرف دیگر افزایش سواد و دانش خود در حوزه مدیریت مالی بود. در واقع من شرکت در این آزمون‌ها را وسیله‌ای می‌دیدم که باعث ایجاد انگیزه در من می‌شد تا مطالعات خود در حوزه مالی و سرمایه‌گذاری را توسعه و تعمیق دهم.

با این فکر در مرحله بعد تصمیم گرفتم همزمان در دو آزمون سازمان بورس شرکت کنم، علت اینکه در دو آزمون شرکت نمودم این بود که یکی از این دو آزمون (آزمون معامله‌گری آتی) برخلاف ۴ آزمون دیگری که توسط سازمان بورس برگزار می‌شد (در آن زمان سازمان بورس از طریق آزمون ۵ گواهینامه تحت عنوان مقدماتی و تحلیلگری بازار سرمایه (بورس اوراق بهادار)، مقدماتی و تحلیلگری بازار سرمایه (بورس کالا) و معامله‌گری آتی به افراد متقاضی اعطا می‌نمود) و هر یک مانند یک کنکور ۳ الی ۴ ساعت به طول می‌انجامید، آزمون معامله‌گری آتی تنها یک ساعت طول می‌کشید، از طرف دیگر من عملاً احساس نیاز خاصی به گواهینامه آن نمی‌کردم و هدف من از شرکت در این آزمون در وهله نخست، ایجاد انگیزه در خود جهت افزایش مطالعات و دانش خود در حوزه مالی بود، بنابراین هیچ استرسی از اینکه بایستی همزمان خود را برای دو آزمون مختلف آماده کنم و در یک روز سخت و طاقت فرسا صبح و بعد از ظهر در هر دو آنها شرکت کنم



نداشتم، بنظرم اینجا همین بحث نبود استرس به من کمک نمود تا به راحتی از عهده برگزاری هر دو آزمون برآیم.

در مورد این دو آزمون نیز مانند آزمونهای قبلی همان استراتژی مطالعه غیرپیوسته و همچنین مطالعه درس/حل تست به صورت همزمان را در پیش گرفتم. با وجود مشکلاتی که داشتم، یکی بواسطه دوری مسیر منزل و محل خدمت و زمانی که در این مسیر به هدر می‌رفت و دیگری دردسرهایی که بواسطه افسر مافوق جدیدم و عدم تمایل وی جهت دادن فرصت به من بمنظور مطالعه، هم در منزل و هم در محل خدمت سعی نمودم از کوچکترین فرصتها جهت مطالعه بهره‌گیری نمایم. به نظر من در هیچ آزمونی نظیر آزمونهای تستی این فرصتهای زمانی کوچک و پراکنده (که می‌توان از آن برای حل یک تست و یا مطالعه یک نکته درسی خاص آزمونهای تستی استفاد نمود) پر ارزش نیستند، بنابراین پیشنهاد من این است که همواره منابع درسی خود را به همراه داشته باشید و از این فرصتهای کوچکی که در حین کار و تحصیل و برایمان فراهم می‌شود نهایت استفاده را ببریم، بعلاوه اینکه اینکار خود نوعی ادامه همان استراتژی مطالعه منقطع و ناپیوسته است، و شاید این مطالعات و تست‌زنی‌های کوتاه گاه و بیگاه در اتوبوس و سلف سرویس و... راندمان بالاتری از دیگر برنامه‌های مطالعاتی مسنجم و یکپارچه ما داشته باشد.



از این حرفها که بگذریم به روز شیرین آزمون می‌رسیم، در آن روز تعطیل نمی‌دانم به چه دلیلی با محاسبات اشتباه صبح دیر از خانه خارج شدم و در نیمه راه متوجه شدم بموقع سر جلسه آزمون نخواهم رسید، این فکر باعث شد مابقی مسیر که شامل عوض کردن خط مترو و چندین مرتبه تاکسی‌سواری و مقادیری نیز پیاده روی بود با استرس و عجله صورت گیرد، تا در نهایت با حدود ۱۵ دقیقه تاخیر در حالیکه نفس نفس می‌زدم و اندکی نیز دچار سردرد (از شدت استرس، خشم و ناراحتی) شده بودم به سر جلسه آزمون رسیدم، متأسفانه آزمون از نظر نوع سوالات مطرح در آن فراتر از حد نرمال و شامل سوالاتی بود که نیازمند محاسبات عددی (ضرب و تقسیم و جمع و تفریق ساده) فراوان و طاقت فرسا می‌شد، همین باعث شد که حدوداً نیم‌ساعت پس از شروع آزمون رسماً دچار یک سردرد شدید شوم، سردردی که پیش از آن و پس از آن در هیچ دوره‌ای از زندگی من سابقه نداشته است.

با وجود سردرد تمرکز خود را بر روی آزمون قرار دادم. بله دوستان عزیز همیشه همه چیز کاملاً بر وفق مراد ما نیست، و همیشه نمی‌توان همه چیز را به کاملترین شکل آن انتظار کشید، اما با این حال مشکلات و اتفاقات ناگهانی نباید باعث تغییر مسیر شوند، من شخصاً با وجود سردرد کشنده‌ای که داشتم، لحظه‌ای دست از تلاش برنداشتم و با وجود عقب‌افتادگی و تاخیری هم که داشتم، جز



قبولی در آزمون به هیچ چیز دیگری فکر نمی‌کردم، خلاصه اینکه با همان سردرد شدید آزمون را تمام کردم، اما نکته دردآور اینکه، این آزمون که در واقع اسف‌بارترین آزمونی بود که من در طول زندگی با آن روبه‌رو بودم، متفاوت‌ترین آزمونی نیز بود که من تا آن روز با آن مواجهه شده بودم، به این معنی که برای اولین بار در زندگی همزمان و در یک روز در دو آزمون تستی متفاوت شرکت نموده‌بودم.

بعد از اتمام آزمون صبح با وجود ناراحتی و سردرد، حتی لحظه‌ای هم به ذهنم خطور نکرد که بهتر است در آزمون بعد از ظهر شرکت نکنم، تا زمان شروع آزمون بعد از ظهر، دو ساعت جانکاه را با سردردی که بهیچوجه از شدت آن کاسته نمی‌شد سپری نمودم، و حالا می‌بایست با این سردرد شدید که قسمت اعظم توان جسمی و ذهنی مرا تحلیل برده بود در آزمون معامله‌گری آتی شرکت نمایم، با این حال هیچ فکری جز قبولی و موفقیت در این آزمون به ذهن خطور نمی‌کرد، من آدم کمال‌گرایی نیستم، هیچوقت دنبال اول شدن نبودم (هر چند واقعا اول شدن در آزمون یا مسابقه‌ای برایم لذت بخش است) در این آزمون نیز مانند آزمونهای قبلی و بعدی خیلی ساده به دنبال قبول شدن بودم، برای همین هم سردرد را مانعی جدی برای کسب یک امتیاز حداقلی و عبور با موفقیت از این آزمون نمی‌دیدم. به نظرم بعضی از افراد حتی آنهایی که در عمرشان سابقه حتی



یک رتبه اولی در طول دوران تحصیل و... را نیز ندارند، نوعی کمال گرایی در عمق وجودشان جاریست که مانع از این می شود در شرایط مختلف از تمامی بضاعت خود به نحو احسن استفاده کنند. به نظر من یک علت این امر پایین بودن سطح ایمان و توکل افراد به خداوند است، خداوندی که در بدترین و سخت ترین شرایط نیز می تواند ضعفهای ما را تکمیل و به ما در کسب موفقیت کمک نماید.

بله من برای این دو آزمون خود را آماده کرده بودم، اما به خاطر سهل انگاری در زمانبندی چنین دردسر بزرگی برایم پیش آمد، اما این باعث نشد که از تلاش خودداری کنم و همانگونه که در فوق اشاره نمودم، اندک بضاعت خود را با تمام وجود بکار گرفتم و در نهایت نیز از هر دو آزمون سربلند خارج شدم و گواهینامه های مربوطه را از سازمان بورس دریافت نمودم.

Eco-lib.com





Eco-lib.com

فصل ششم

آزمون تحلیلی‌گری بازار سرمایه (بورس کالا)

این آزمون در سال ۱۳۸۹ وجود داشت، اما امروز دیگر برگزار نمی‌شود و با آزمون تحلیلی‌گری بورس اوراق بهادار ادغام شده است.

در آن زمان تحلیلی‌گری بورس کالا عملاً آخرین آزمونی بود که من می‌توانستم در آن شرکت کنم و با قبولی در آن جزو یکی از حدود ۷ یا ۸ نفری در ایران می‌شدم که کل گواهینامه‌های سازمان بورس را اخذ کرده بودند. شرکت در این آزمون برای من بمراتب سخت‌تر از آزمون مقدماتی بورس کالا بود، چرا که تقابل من با افسر مافوقم و همچنین افسر مافوق وی افزایش یافته بود، و بر میزان مخالفت آنها با مطالعات شخصی من در محل خدمت افزوده شد، به گونه‌ای که یکبار افسر مافوقم تقریباً کتاب را از زیر دستم کشید، البته از آنجا که مدیر آن مرکز شخصی



بود که من قبل از سربازی با وی ارتباطات علمی خاصی داشتم، با اعتماد به نفس بیشتری به آتش این تقابل دامن می‌زدم، خلاصه اینکه علاوه بر اینکه فرصتهای مطالعاتی من لحظه به لحظه کمتر می‌شد، این تقابل روزمره به شدت مرا افسرده نموده بود، بویژه آنکه مقامات مافوق زیر بار اعطای مرخصی پایان دوره به من که حق هر سربازی (حتی سرباز صفر) است، برای من که با مدرک فوق لیسانس و درجه ستوان یکمی خدمت می‌کردم نمی‌رفتند، مرخصی که من به خاطر این آزمون مهم بدان نیاز مبرم داشتم، خلاصه اینکه کمبود وقت از یک طرف و ناراحت‌ها و افسردگی روزمره از طرف دیگر باعث شد شرایط شرکت من در این آزمون نیز مانند بسیاری دیگر از آزمونهایی که در آن شرکت نموده بودم از حد ایده‌آل فاصله‌ای بس طولانی بگیرد.

امروز که به عقب نگاه می‌کنم واقعا می‌بینم که در اکثر آزمونهایی که شرکت نموده بودم، ناخواسته و یا با دست خود (به واسطه سهل‌انگاری یا هر دلیل دیگری)، شرایط را به بدترین شکل ممکن برای خود تبدیل نموده بودم، غرض از بیان این سخنان درد دل نیست، چرا که از تمامی این دردها و گرفتاریها جز خاطره‌ای محو و بی‌اثر چیزی برای من باقی نمانده است، بلکه هدف اینست که بدانید هیچوقت برای موفقیت نیازمند شرایط ایده‌آل نیستیم و در پیچیده‌ترین و دشوارترین شرایط نیز با امید و توکل می‌توانیم تلاش خود را انجام داده، و منتظر



کسب بهترین نتایج نیز باشیم، همانطور که من در این آزمون با تمامی مشکلات اشاره شده، موفق شدم رتبه اول را در کشور کسب نمایم.

البته گاهی نیز احساس می‌کنم، یکی از دلایل موفقیت‌م در بسیاری آزمونهای تستی همین مهیا نبودن همه چیز به صورت ایده‌آل است، درگیری‌ها، کمبودها، تاخیرها و دیر رسیدنها و... گاهی خون انسان را به جوش آورده، تحرک و جنگندگی وی را افزایش می‌دهد، در حالیکه دستیابی ایده‌آل به همه چیز و آرامش بیش از حد به هنگام ورود به جلسه آزمون ممکن است، باعث پایین آمدن سرعت فعالیت مغز ما (نسبت به حالتی که دچار اندکی استرس و عجله، کمبود وقت جهت مطالعه و... هستیم) شود، بنابراین توصیه می‌کنم، نه تنها کمال‌گرا نباشید، بلکه گاهی نیز با سهل‌انگاری کرده و یا هر روش اندکی در دسر نیز برای خود ایجاد کنید، تا بیش از حد در حالت رخوت و خمودی فرو نروید.

اما در مورد خود آزمون باید بگویم، با توجه به سرفصلهای آزمون و پیش‌نیازهای آن، عملاً آزمون تحلیلی‌گری بورس کالا سخت‌ترین و در عین حال مهجورترین و کم‌کاربردترین آزمون و گواهینامه سازمان بورس و اوراق بهادار بود، فلذا در سال ۱۳۹۰ رسماً از فهرست آزمونهای این سازمان حذف گردید.

نکته جالب توجه در مورد این آزمون و آزمون مقدماتی بورس کالا این است، که من برای برخی از سرفصلهای این آزمونها عملاً هیچ منبع مشخصی در اختیار



نداشتم، و هیچ ارتباطی نیز سازمان بورس و کارکنان شرکتهای کارگزاری جهت اخذ راهنمایی از آنان نداشتم (اینهم یکی از آن دردهایی بود که با سهل‌انگاری برای خود درست کردم)، در این خصوص تنها کاری که انجام دادم این بود که با مطالعه سوالات آزمونهای دوره‌های پیشین، سعی کردم تا حدی با این مباحث آشنا شوم و از طرف دیگر با جستجوی اینترنتی کلیدواژه‌های موجود در این سوالات سعی نمودم از طریق اینترنت مطالبی را جهت مطالعه و آماده‌سازی خود تهیه نمایم، یعنی همانگونه که می‌بینید حتی در حوزه دسترسی به منابع صحیح و کامل جهت آماده‌سازی خود برای حضور در این آزمونها نیز عملاً من به طرز خنده‌داری از شرایط ایده‌آل و حتی استاندارد فاصله داشتم. اما با این حال نتایج آزمونها به من نشان داد از یک طرف من بخوبی توانستم از اندک معلومات و منابع علمی خود بیشترین بهره را ببرم و از طرف دیگر کسانی که به بهترین شکل ممکن به این منابع و امکانات علمی و آموزش (از طریق شرکتهای کارگزاری و تامین سرمایه محل کار خود) دسترسی داشتند، چگونه با سهل‌انگاری مفرط نتوانستند آنگونه که شایسته است از امکانات در دسترس خود بخوبی استفاده نمایند.

خب دوباره بپردازیم به روز آزمون، در طول دو سال گذشته عملاً هر شش ماه من در حداقل یک آزمون تستی سنگین و طولانی شرکت نموده بودم، شاید بعضی



فکر کنند این باعث شده بود که من به شرایط آزمون، میز و نیمکتهای سفت و ناراحت آن و... عادت کنم، اما تقریباً برعکس این آزمونها با وجود آنکه با فاصله طولانی از یکدیگر برگزار می‌شد مرا (که عملاً فردی از لحاظ جسمی و روحی حساس و حتی می‌توان بگویم نسبتاً ظریف هستم) فرسوده بود.

اما در مقابل این آزمونها تجاربی را برای من فراهم آورده بود که از طریق آن می‌دانستم که چگونه با یک آزمون تستی ۴ ساعته فرسایشی روبه‌رو شوم. مهمترین نکته این بود که در سر جلسه آزمون حتماً از جای خود بلند شده به دستشویی رفته و آبی به سر و صورت بزنید (حداقل دو بار)، و اصلاً نیز به این موضوع فکر نکنید که اینکار باعث می‌شود وقتتان از دست برود، چه فایده دارد اگر ما وقت کافی در اختیار داشته باشیم اما بواسطه خستگی، انقباض ماهیچه‌ها و عضلات ران و کمر و تشنگی و گردن درد، به سوالات تستی پیش روی خود پاسخ غلط بدهیم. این کاری بود که من در اکثر آزمونهایی که پس از سال ۱۳۸۸ در آن شرکت کرده بودم حتماً انجام می‌دادم، یعنی به بهانه آب خوردن و یا شستن دست و رو از صندلی خود بلند می‌شدم کمر راست می‌کردم و با اندکی قدم زدن ماهیچه‌های بدنم را به حالت عادی باز می‌گرداندم. در عین حال با خوردن آب و شستن دست و رو هر نوع خستگی و خواب‌آلودگی را از خود دور می‌نمودم. این



نکته نیز از نظر من یکی دیگر از آن فوتهای کوزه‌گری بسیار مهم بویژه در ارتباط با آزمونهایی است که در ایران و در شرایط زیر نرمال بر گزار می‌گردد.

اگر به یاد داشته باشید پیش از این در فصول قبل موضوعی را تحت عنوان کسب تسلط بر محل آزمون جهت افزایش راندمان خود مطرح نموده بودم، در اینجا به یکی دیگر از نکات مرتبط با این کسب تسلط می‌پردازم، موضوع این است: بسیاری از کسانی که در آزمونهای تستی شرکت می‌کنند پس از ورود به سالن و یافتن صندلی خود خیلی ساده و سربه‌زیر همانجا نشسته و تا انتهای جلسه از سر جای خود تکان نمی‌خورند.

در مورد من برعکس بود، هر چند اگر از کسانی که مرا می‌شناسند بپرسید خواهند گفت من یکی از سربه‌زیر ترین و آرام‌ترین انسانهایی هستم که در طول عمر خود دیده‌اند، اما در آزمونهای تستی بواسطه داشتن استرس و یا تلاش برای کاهش استرس و... پس از رسیدن به محل آزمون و مستقر شدن در صندلی خود، پیش از شروع آزمون سعی می‌کردم در سالنها و کلاسهای محل برگزاری آزمون قدم زده، آب بخورم و با سایر شرکت‌کنندگان اندکی گپ بزنم، از لحاظ روانشناختی به نظر من این کار در رفع استرس و ایجاد آرامش بسیار موثر است، اما از نظر من این کار یک نفع دیگر نیز دارد، و آن اینست که شما با این گردش در محیط، آشنایی با



آن، آشنایی با مراقبین و سایر شرکت‌کنندگان و... عملاً از لحاظ روحی و روانی به نوعی با محیط آشنا شده و بر آن تسلط پیدا می‌کنید.

به نظرم (که در بسیاری از آزمونهایی که در آن شرکت نموده بودم عملاً بیش از بسیاری دیگر از سایر رقبایم در محیط آزمون به قدم زدن و صحبت کردن با سایرین می‌پرداختم)، این کار جهت قبولی شما در آزمونهای تستی که پیش‌رو دارید مطمئناً موثر و مفید فایده خواهد بود.

البته در انتها باید اذعان کنم که این فصل کتاب عملاً چالش‌انگیزترین فصل آن است و شاید موجبات دردسر سازمان سنجش و سایر سازمانهای برگزارکننده آزمونهای تستی در ایران را فراهم نماید، چرا که دو مورد از توصیه‌هایی که در این فصل بیان کردم، یکی رفتن به دستشویی و شستن دست و صورت در وسط جلسه آزمون و دیگری قدم زدن در محل برگزاری آزمون پیش از شروع آن، شاید از دیدگاه خرد و فردی مفید فایده باشد، اما از دیدگاه کلان حتی اگر ۲۰ درصد شرکت‌کنندگان در یک آزمون بخواهند به این توصیه عمل کنند، باید منتظر یک هرج و مرج واقعی در سر جلسات آزمونهای تستی کشور باشیم.





فصل هفتم

آزمون CFA

پس از چندین و چند موفقیت پیاپی در آزمونهای تستی مختلف از یک طرف و آشنایی هر چه بیشتر با حوزه مدیریت مالی و مسیرهای پیش روی من در این حوزه از طرف دیگر، تصمیم گرفتم به سمت دریافت گواهینامه‌های بین‌المللی در حوزه مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری حرکت کنم. در این مسیر نیز باز هم مانند گذشته بیشتر از آنکه دنبال دریافت یک مدرک یا گواهینامه خاص باشم، به دنبال افزایش سطح دانش و معرفت خود در حوزه مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری مطابق با استانداردهای جهانی و تثبیت خود در بازار بودم.

در آن زمان و البته در حال حاضر معتبرترین (و نه لزوماً با کیفیت‌ترین) مدرک کاربردی غیردانشگاهی در حوزه مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری در سطح بین‌المللی



مدرک CFA است، این مدرک آزمون محور بوده و با قبولی در آزمونهای آن در سه سطح CFAI, CFAII, CFAIII می توانید مدرک مربوطه را دریافت کنید. این آزمونها توسط موسسه ای آمریکایی با همین نام و با ۵۰ سال سابقه، سالانه در دهها کشور دنیا برگزار می گردد.

بله جریان از این قرار بود که من به منابع این آزمون دسترسی پیدا کردم و پس از مطالعه آنها و حل سوالات تستی نمونه مربوط به آزمون احساس کردم توانایی شرکت در این آزمون را دارم، تصمیم گرفتم که در این آزمون بسیار پرهزینه شرکت کنم، آزمونی که برای شرکت در آن نیز مجبور بودم از ایران خارج شوم و هزینه قابل توجهی را نیز از این بابت متحمل شوم.

برای آدم مقتصدی مثل من که حتی ثبت نام در یک آزمون ۲۵ هزار تومانی نیز نیازمند کلی حساب و کتاب کردن بود، صرف این هزینه های میلیونی (بین ۲,۵ تا ۳ میلیون تومان) برای شرکت در یک آزمون تستی بین المللی به زبان انگلیسی آنهم در یک کشور بیگانه به شدت استرس زا بود.

در واقع از چندین جهت همزمان به من استرس وارد می شد، یکی استرس مربوط به هزینه های بالای آزمون و ترس از به باد رفتن این مبلغ هنگفت در صورت قبول نشدن در آزمون، دیگری استرس فراهم نمودن مقدمات سفر به خارج از کشور به تنهایی (برای من که تا کنون هیچ سفر خارج از کشوری نداشتم) و آخری هم



مربوط می‌شد به آماده شدن برای شرکت در آزمون و بحث ثبت‌نام و پرداخت اینترنتی هزینه‌های قابل توجه مربوط به آزمون، در تمامی این مراحل با توجه به اینکه از یک طرف من کمترین آشنایی با ثبت‌نام و پرداختهای اینترنتی بین‌المللی و مسافرت‌های خارجی نداشتم و از طرف دیگر خود به تنهایی در این آزمون شرکت نموده بودم و هیچ همراه و مشاوره نداشتم، همواره نگران بودم در مرحله‌ای از مراحل کار دچار اشتباه شوم و همه چیز به باد رود، بخصوص اینکه خیلی دیر متوجه شدم آمادگی شرکت در این آزمون را دارم و دقیقا چند روز قبل از اتمام مهلت ثبت‌نام (که اتفاقا با روزهای پایانی سال ۱۳۸۹ نیز مقارن شده بود) برای تهیه کارت اعتباری بین‌المللی و ثبت‌نام اقدام کردم، که همین همزمانی آن با روزهای پایانی سال باعث گردید که پس از چندین بار تلاش از طریق دوستان و جستجوی اینترنتی نتوانستم فرد یا موسسه‌ای را جهت انجام امور ثبت‌نام خود پیداکنم، حدود ۲۴ ساعت تا اتمام مهلت ثبت‌نام باقی مانده بود و من نیز در منزل تنها بودم (خانواده جهت تعطیلات نوروزی به شهرستان سفر کرده بودند) من نیز تصمیم گرفتم وسایل خود را جمع کرده و به شهرستان بروم، و بعدا برای آزمون بعدی CFA اقدام کنم، اما باز در آخرین لحظات ناامید نشدم و در حالیکه در نزدیکی خانه در حال راه رفتن بودم تصمیم گرفتم برای آخرین بار به یک کافی‌نت نزدیکی منزلمان بروم و مجددا در اینترنت برای یافتن موسسه‌ای که کارت



اعتباری در اختیار دارد و می تواند در این روزهای پایانی سال کار ثبت نام را برای من انجام دهد، به جستجو پردازم، در اینترنت موفق شدم موسسه ای را پیدا کنم که این خدمات را انجام می دهد، البته قبلا نیز چند موسسه را یافته بودم که هریک به دلیلی امکان انجام ثبت نام من را نداشت، اما وقتی همانجا در کافی نت با آن موسسه تماس گرفتم، اعلام نمودند که می توانند این کار را انجام دهند، به خاطر آنکه به ظهر نزدیک می شدیم و من هم پول نقد در اختیار داشتم و نه کارت عابر بانک، بلافاصله از کرج به سمت تهران راه افتادم تا قبل از تعطیل شدن بانکها بتوانم، کار ثبت نام خود را انجام دهم، و البته موفق نیز شدم و در شرایطی که کمتر از ۲۴ ساعت به اتمام مهلت ثبت نام در این آزمون (CFAI-june ۲۰۱۱) باقی مانده بود توانستم در آن ثبت نام کنم.

وقتی در آن شرایط ناامید کننده به یکباره موفق شدم در آزمون ثبت نام کنم، این موفقیت را به فال نیک گرفتم و از همان لحظه عملا خود را قبول شده می دیدم. در واقع اگر بخواهید با یکی دیگر از ویژگیهای شخصیتی من به هنگام شرکت در آزمونهای تستی آشنا شوید، در یک کلمه عنوان نشانه یابی را به آن می دهم. در هر آزمونی که شرکت می کنم همواره به نبال نشانه هایی می گردم که مثل یک فال نیک قبولی من در آزمون پیشرو را برای من پیشگویی نماید، به عنوان نمونه در شماره داوطلب و شماره پرونده خود که به هنگام ثبت نام در آزمونهای مختلف



دریافت می‌کنم به دنبال نوعی نشانه‌ها می‌گردم، مثلا اعداد آشنا (یکبار شماره داوطلبی من دقیقا با شماره رمز یکی از کارتهای بانکی من یکسان بود، یا یکبار قسمتی از عدد شماره داوطلبی با سال تولد من مطابق داشت) یا تکرار غیرعادی یک عدد خاص (مثلا عدد ۷ یا ۳) در شماره داوطلبی من، و یا وجود یک رابطه ریاضی جالب توجه بین آن اعداد و مثلا سن شما و... (من شخصا علاقه خاصی به ریاضیات دارم و در دوره کارشناسی نیز اگر اصرار والدینم نبود حتما به رشته ریاضی می‌رفتم).

این روش برای همه جواب می‌دهد، مطمئنا به عنوان یک انسان مدرن که اعتقاد به خرافات ندارد، می‌توانید از این ایده استفاده کنید، و شک ندارم برای تک‌تک شما که در آزمونهای مختلف شرکت می‌کنید، یافتن چنین نشانه‌هایی امکان‌پذیر است، من در طی آزمونهای متعددی که طی سالهای اخیر شرکت نموده بودم فقط در یک یا دو آزمون بود که نتوانستم نشانه‌ای دلگرم‌کننده و جالب توجه برای افزایش اعتمادبه‌نفس خود بیابم (هر چند در آن آزمونها نیز موفق شدم). بنابراین پیشنهاد می‌کنم بدون آنکه درگیر خرافات و دعانویسی و ... شوید، جهت دلخوشی خود نیز که شده گاهی دنبال این نشانه‌ها بگردید، البته نه در حدی که عدم یافتن آن موجب سرخوردگی و دلسردی شما شود.



در مرحله بعد و در دوره مطالعه و آماده سازی خود در مورد آزمون CFA I قسمت اعظم وقت مطالعه خود را بر روی خود کتب اصلی موسسه برگزار کننده این آزمون (که اتفاق کتب بسیار مفصل و سنگینی نیز بود) قرار ندادم، و بیشتر وقتم را به مطالعه کتب خلاصه‌ای که توسط یک موسسه انتشاراتی بین‌المللی (که ویژه این آزمونها طراحی و چاپ شده بود) اختصاص دادم، بنظرم برای کسانی نظیر من که وقت کافی جهت مطالعه کتب اصلی چنین آزمونهایی را ندارند، مطالعه کتب خلاصه شده و با کیفیتی نظیر آنچه که من استفاده نمودم، می‌تواند بهترین راه جهت استفاده بهره‌ورتر از اندک وقتمان باشد.

جهت استفاده باز هم بهره‌ورتر از وقت خود سعی کردم از همان ابتدای شروع مطالعات، در قسمت‌های مختلف کتاب بگونه‌ای نت‌گذاری و علامت زدن جملات و فرمولها و توضیحات و مثالهای مهم را انجام دهم، که بتوانم بعدا با مرور همین نکات علامت‌زده شده، یادآوری دقیقی نسبت به کل محتوای مطلب داشته باشم.

هر چند باید اذعان کنم، بهترین نت برداریها و علامت‌زده‌ها نیز به پای مطالعه کامل و خط به خط مطالب نمی‌رسد، آنهم در مورد چنین کتب سطح بالایی که با دقت و وسواس نگاشته شده و هر خط آن شامل مطلبی مهم و نکته‌ای کاربردی است. بنابراین از قبل بررسی کنید آیا آزمونی که در آن شرکت می‌کنید، نیازمند مطالعه عمیق کتب درسی مربوط به خود است، و یا صرفا آزمونی است جهت



سنجش کلی معلومات و آشنایی شما با موضوع آزمون. و همچنین میزان غنای کتب علمی مرتبط با آزمون را مورد توجه قرار دهید، ببینید آیا با نت برداری می‌توان بر کل کتاب مسلط شد، یا اینکه برای تسلط بر کتاب لازم است کل محتوای آن مطالعه و مرور شود.

خلاصه علامت زدن نکات و توضیحات مهم و مرور آنها برای کسی که وقت کافی جهت مطالعه مجدد یک کتاب را ندارد، بهتر از این است که دست روی دست بگذارد، و یا اینکه در فرصت اندک باقیمانده خود، صرفاً درصدی از کل کتب و منابع پیش‌روی خود را مرور نماید.

در ادامه چندماه پس از ثبت‌نام در آزمون و نزدیک شدن وقت سفر، به یک آژانس مسافرتی جهت تهیه بلیط، ویزا و رزرو هتل مراجعه کردم، در اینجا بویژه جهت رزرو هتل من چند نکته را مدنظر قراردادادم که به نظرم جزو اصولی است که حتی هنگام شرکت در آزمونهای داخلی نیز باید بدان توجه کافی و وافی نمایید.

با وجود بالا بودن هزینه ثبت‌نام در آزمون و هزینه بلیط و... و با وجود آنکه از درآمد بالایی نیز برخوردار نبودم، تصمیم گرفتم ریسک نکنم و به بهانه اندکی صرفه‌جویی در هزینه‌ها با رفتن به یک هتل بی‌کیفیت سه ستاره، موفقیتیم در آزمون را به خطر نیاندازم. بنابراین یک هتل زنجیره‌ای بین‌المللی ۵ ستاره را جهت سفر رزرو نمودم تا بتوانم در بهترین شرایط و با آرامش کامل به استقبال آزمون



بروم، عملاً نیز فکری که کرده بودم درست از آب درآمد و در تمام طول مدت اقامت در آن هتل کوچکترین کمبود و نقطه ضعف و یا برخورد نامناسبی از جانب کارکنان هتل ندیدم و انصافاً در بهترین شرایط در آن آزمون شرکت نمودم.

حتی پیش از آنکه کیفیت هتل‌ها را مد نظر قراردهم، موضوع دیگری که در ارتباط با رزو هتل به آن توجه نمودم، فاصله آن تا محل برگزاری آزمون بود، در واقع من نزدیکترین هتل به محل برگزاری آزمون را انتخاب نمودم، این دو علت داشت که هر دو آن در آزمونهای داخلی و بویژه آزمونهای دکترا که صبح و بعد از ظهر هستند بسیار کاربرد دارد. دلیل اول این بود که صبح بتوانم خیلی سریع به محل آزمون برسم، به نظر من حتی اگر آزمونی که در آن شرکت می‌کنید، در یک روز تعطیل و در یک شهر کم ترافیک برگزار شود، باز هم نزدیکی محل اقامت شما به محل آزمون آرامش بیشتری را برای شما به ارمغان می‌آورد و جلوی هر گونه استرسی را می‌گیرد، چرا که به عنوان نمونه در مورد من حتی اگر دسترسی به خودرو نیز نمی‌داشتم، و مثلاً اگر خودرو گیرم نمی‌آمد و یا ماشین یکباره وسط راه خراب می‌شد، با پای پیاده نیز به راحتی و بموقع به محل آزمون می‌رسیدم. علت دومی که من به دنبال یک هتل نزدیک به محل آزمون جهت استقرار بودم، این موضوع بود که آزمونهای CFA در هر سه سطح در دو نوبت صبح و بعد از ظهر هر یک بمدت سه ساعت انجام می‌گیرد. به این ترتیب نزدیک بودن هتل به من



کمک نمود تا از دو ساعت وقت استراحت بین دو نوبت صبح و بعد از ظهر استفاده کنم و به هتل خود برگردم، و بر خلاف بسیاری دیگر از شرکت کنندگان که این مدت را در محل آزمون سرگردان مانده بودند، در این مدت اندک در اتاق و تخت نرم و راحت خود اندکی بخوابم. جالب اینکه هتل من بقدری به محل آزمون نزدیک بود که با وجود گرمای شدید و هوای شرجی خرداد ماه ظرف ۱۰ دقیقه آنهم با پای پیاده به هتل بازگشتم و پس از مدتی استراحت، سرحال و شاداب با تاکسی مجدداً جهت شرکت در آزمون نوبت ظهر به محل برگزاری آن بازگشتم و در نهایت موفق شدم در این آزمون قبول شوم.

باز برگردیم به ماجرای آزمون، هنگامی که به محل برگزاری رسیدم در آنجا با چند ایرانی دیگر که شب قبل از تهران رسیده بودند آشنا شدم، من خودم به استراحت و رفع خستگی قبل از هر آزمونی به شدت اعتقاد دارم، و در فصول قبل نیز در این باب به صورت مختصر نکاتی را یادآوری نمودم، از همین رو برخلاف آن ۴ دوست ایرانیم، دو روز قبل از آزمون آنهم با پرواز صبح نه پرواز شب، به شهر محل آزمون رسیده بودم و کاملاً سرحال بودم، خب من احساس می‌کنم از کارم نتیجه گرفتم، چرا که از آن چهار نفر دو نفرشان که خبر دار شدم قبول نشده‌اند، و از دو نفر دیگر نیز خبری ندارم، ولی احساس می‌کنم این فشردگی در برنامه‌های سفر و



همچنین عدم اهمیت به فاصله محل هتل تا محل آزمون از دلایل عدم موفقیت آنان در این آزمون بود.

در نهایت وارد جلسه آزمون شدیم، با توجه به اینکه مباحث آزمون بسیار عمیق و در عین حال سرفصلهای متنوع و کاملاً متفاوتی را شامل می‌شد، در ابتدای جلسه آزمون و به صورت ناخودآگاه ایده‌ای در مورد روش حل سوالات به ذهنم رسید، بدین صورت که در ابتدا، از هر یک از ۱۰ سرفصل اصلی آزمون یک سوال را حل کنم، تا عملاً مروری کلی بر سوالات داشته باشم، و ذهنم را از ابتدا در یک حوزه خاص درگیر و قفل نکنم. به این ترتیب ابتدا حدود ۱۰ الی ۱۵ سوال از بخشهای مختلف آزمون را حل کردم و سپس مانند آزمونهایی که پیش از این در آنها شرکت نموده بودم، به صورت پیوسته و پشت سر هم، به سوالات آزمون از شماره ۱ تا ۱۲۰ پاسخ دادم، آزمون بعد از ظهر نیز مانند آزمون صبح به سوالات دیگری به همان تعداد و از همان سرفصلها اختصاص داشت، که آنها را نیز به همین روش حل نمودم، و البته در سر جلسه آزمون پیش از شروع از قدم زدن و گپ زدن با دوستان ایرانی و همچنین بغل‌دستی خارجی خود آنهم در مورد مسائل و بحرانهای سیاسی خاورمیانه غافل نشدم، در حین جلسه نیز به بهانه آب خوردن بارها از جای خود بلند شدم و اندکی قدم زدم، هر چند باید اذعان کنم در آزمونهای CFA در مورد میز و فضایی که به آزمون دهنده جهت قراردادن



دفترچه سوالات و پاسخنامه و مداد و ماشین حساب و... اختصاص داده شده است، دقت خاصی صورت می‌گیرد و مانند ایران با یک صندلی دست‌دار که عملاً جای هیچ نوع مانور و حرکتی برای انسان باقی نمی‌گذارد، سر و ته قضیه را هم نمی‌آورند، از طرف دیگر در اکثر آزمونها سعی می‌شود از صندلهای چوبی سفت و محکم برای افراد استفاده نشود، و صندلیهایی با روکش ابری و چرمی در اختیار آزمون‌دهندگان قرار گیرد.

بنابراین با عنایت به این نکات توصیه بعدی من به شما اینست که راهی برای خود در سر جلسات آزمون بیابید تا مشکل کمبود جا و وضعیت ناراحت صندلی‌های دسته‌دار مورد استفاده در آزمونهای ایران را حل کنید، این دیگر به شانس و موقعیت و زیرکی شما باز می‌گردد، که چگونه شرایط مساعد را برای خود فراهم آورید، اما اطمینان داشته باشید که در اختیار داشتن فضای کافی و همچنین صندلی راحت و مناسب تاثیری قاطع بر میزان موفقیت شما در آزمونهای تستی بر جای خواهد گذاشت، اما باز هم به شما توصیه می‌کنم بیش از حد بر روی این مسائل فرعی متمرکز نشوید، چرا که اگر امکانات مناسب برای شما در سر جلسه آزمون مهیا نشد، بدانید که برای بیش از ۹۰ درصد از شرکت‌کنندگان نیز شرایط به همین منوال است، و لذا درگیر هیچ نوع رقابت ناعادلانه‌ای نگردیده‌اید، همانگونه که من در طول این سالها و در اکثر آزمونهای تستی متعددی که در



کشور خودم در آن شرکت نموده‌ام امکانات و شرایط بهتری نسبت به سایرین نداشتم.

در پایان این بخش موضوع دیگری که می‌خواستم با شما در میان بگذارم این است، که اگر اصول را بشناسید و سعی در رعایت آنها بکنید، (همان اصولی که در بخشهای مختلف این کتاب قسمتی از آن را به حضورتان معرفی نمودم) اگر در برخی موارد جزئی و فرعی نیز کارتان نقص داشته‌باشد باز هم می‌توانید به موفقیت خود مطمئن و امیدوار باشید، برای تکمیل این بحث اجازه بدهید دو شیرین‌کاری (و یا بهتر بگویم سهل‌انگاری) خود هنگام شرکت در این آزمون خاص را برایتان تعریف کنم:

در آزمون CFA برخی سوالات آن نیازمند محاسبات عددی مفصلی هستند، انجام این محاسبات بدون دارا بودن ماشین‌حسابهای ویژه که توسط موسسه CFA برای استفاده در محل آزمون معرفی شده‌اند، بسیار زمان‌بر بوده و در عین حال میزان خطای انسانی در آن بسیار بالاست، من در تهران و پیش از شرکت در این آزمون یکی از این ماشین‌حسابهای تخصصی را با قیمتی بالا تهیه نمودم و اندکی با آن تمرین کردم، اما بواسطه ناکافی بودن تمریناتم، عملاً در سر جلسه آزمون که سوالات آن مملو بود از محاسبات عددی خاص (بعنوان نمونه محاسبه NPV و IRR) متوجه شدم نحوه استفاده از ماشین حساب را فراموش نموده‌ام، این بود



که به صورت دستی و با استفاده از چهار عمل اصلی و بر روی کاغذ بسیاری از محاسبات را انجام داده و عملاً قسمت قابل توجهی از وقت خود را صرف اینکار نمودم.

موضوع دوم مربوط بود به شب آزمون است، این اولین آزمون بین‌المللی من بود و استرس بسیار بالایی داشتم، در نتیجه شب قبل از آزمون به هیچ عنوان خوابم نمی‌برد، بنابراین ساعت ۱۲ شب تصمیم گرفتم از جای خود بیرون بیایم و در قسمتهای مختلف آن هتل زیبا و مجهز چرخی بزنم، عملاً تا ساعت دو صبح سرپا و به نوعی مشغول تفریح بودم، و می‌توانم بگویم قبل از این آزمون سنگین، استراحت کمی داشتم، اما خوشبختانه به خاطر اینکه در طی دو روز باقیمانده به آزمون به اندازه کافی استراحت نموده بودم و عملاً تغذیه بسیار سبک و در عین حال بسیار مقوی را در سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده بودم، این سهل‌انگاری نیز باعث نشد، نتایج ناخوشایندی از این آزمون بگیرم.





Eco-lib.com

فصل هشتم

آزمون های چهارگانه سازمان بورس

به فصلی رسیدیم که مدتها منتظر آن بودیم (در واقع من منتظر آن بودم) جایکه در آن موفق شدم یک رکورد ملی (البته به صورت غیر رسمی) بر جای بگذارم و همزمان در طی دو روز پیاپی در ۴ آزمون تستی رسمی سازمان بورس به صورت کامل شرکت کرده و در هر چهار مورد نیز قبول شده و موفق شدم ۴ گواهینامه جدید آن سازمان را اخذ نمایم.

علاوه بر رکورد فوق اولین فردی بودم که موفق شده‌است در هر ۹ آزمون تخصصی سازمان بورس به صورت کامل شرکت نموده و همه آنها را یک ضرب با موفقیت به اتمام رسانده و کلیه گواهینامه‌های حرفه‌ای آن سازمان را دریافت نماید.



اما اصل ماجرا از این قرار بود: همانگونه که در فصول پیشین خدمت شما عرض کردم سازمان بورس ۵ گواهینامه تخصصی را جهت رفع نیازهای بازار سرمایه ایران طراحی نموده بود و از طریق برگزاری آزمون این گواهینامه‌ها را به افراد واجد شرایط اعطا میکرد. تا سال ۹۰ به مدت حدود ۱۰ سال وضع به همین منوال بود تا اینکه ساختار کلیه آزمونها تغییر نمود، مفاد درسی برخی آزمونها مورد اصلاح اساسی قرار گرفت، برخی آزمونها و مدارک در هم ادغام شدند، برخی نیز تفکیک شدند (که البته برای کسانی که پیش از این موفق به دریافت آن مدارک و گواهینامه‌ها شده‌بودن مشکلی ایجاد نمی‌گردید) و در نهایت ۴ گواهینامه تخصصی جدید به فهرست گواهینامه‌های سازمان اضافه و تعداد آنها به مجموع ۹ گواهینامه رسید.

در اینجا من نیز مانند معدود افرادی که کل گواهینامه‌های سازمان بورس را در اختیار داشتند، احساس کردم نیاز دارم با شرکت در این آزمونهای جدید و اخذ گواهینامه‌های مربوطه، همچنان جایگاه خود را حفظ کنم. البته خارج از موضوع اصلی کتاب نکته مهمی که می‌بایست بدان اشاره کنم اینست که از نظر من و با توجه به شناختی که از آزمونهای سازمان بورس پیدا کرده بودم، این آزمونها را محک قدرتمندی جهت ارزیابی دانش مالی خود در حوزه‌های مختلف از بورس کالا و بورس اوراق بهادار گرفته تا ابزارهای مشتقه، می‌دانستم و قبولی در این



آزمونها پیش از آنکه از بابت نیاز به مدارک و گواهینامه‌های آن برای من اهمیت داشته باشد، از این جهت که مهر تاییدی بود بر دانش و آگاهی من در حوزه مربوطه، برای من اهمیت و جذابیت خاصی داشت.

در این دوره برخلاف زمانی که من در آزمونهای سازمان بورس شرکت می‌کردم، آزمونها طی دو روز متوالی و صبح و بعد از ظهر برگزار می‌شد و در نتیجه امکان شرکت در چند آزمون پیاپی برای افراد وجود داشت، من هم متوجه شدم هیچ‌یک از این چهار آزمون (طی دو روز برگزاری آزمونها) با یکدیگر تداخل نداشته و می‌توانم در هر چهار آزمون شرکت نمایم، لذا بدون هیچ استرسی (بواسطه عدم نیاز به این گواهینامه‌ها از یک طرف، و تجارب موفقیت‌های قبلی خودم در آزمونهای تستی از طرف دیگر) در هر ۴ آزمون شرکت نمودم، و همزمان مطالعات خود را برای شرکت در آنها آغاز کردم، نگران کننده‌ترین موضوع در خصوص کسب آمادگی برای آزمونهای چهارگانه فوق‌الذکر این بود که علاوه بر تنوع سرفصلهای علمی مورد نیاز جهت مطالعه (بمنظور کسب آمادگی جهت شرکت در این آزمونها) یکی از سرفصلهای عمده ۳ مورد از این ۴ آزمون، بحث قوانین و مقررات سازمان بورس در حوزه تخصصی مربوطه بود که عملاً بیش از ۱۰۰۰ صفحه قانون و مقررات (از قانون تجارت و قانون مالیات گرفته تا دستورالعملهای ریز و تخصصی سازمان بورس و...) را شامل بود، که بایستی مورد مطالعه قرار گرفته و عملاً حفظ



شود. علی‌ا‌یحال فعالیت دو ساله من در بازار بورس و در یک شرکت کارگزاری وابسته به یکی از موسسات اعتباری قدیمی کشور (از انتهای دوره سربازی تا آن روز) و همچنین آشنایی کلی با برخی از آن قوانین (بواسطه مطالعه آنها در هنگام شرکت در آزمونهای قبلی) کمک نمود تا با وجود وقت کمی که به موضوع قوانین و مقررات (به نسبت سایر سرفصلها) اختصاص دادم، موفق شوم در این سرفصل نمره لازم را کسب نمایم (طبق مقررات سازمان بورس، چنانچه فردی حتی بتواند بالاترین نمره‌ها را در یک آزمون کسب نماید، اما در یکی از سرفصلها نمره حداقل را کسب نکند، عملاً مردود شناخته می‌شود).

البته باید بگویم هر چند از هر چهار آزمون سربلند بیرون آمدم اما دو روز وحشتناک و بسیار طاقت‌فرسا را پشت سر گذاشتم، دو روزی که حتی با وجود بکارستن تمامی روشهایی که در این کتاب جهت حضور موفق و با نشاط در آزمونها به شما یادآور شدم، بازهم خسته‌کننده بود، بگونه‌ای که گاهی می‌خواستم وسط جلسه از شدت کلافگی و فشار عصبی آزمونها را رها کنم، اما استقامت بخرج دادم، اینجا دقیقاً همان جایی بود که یک تجربه دیگر به تجاربم افزوده شد و آن اینکه تقویت استقامت روحی و جسمی بویژه از طریق ورزشهای استقامتی و بالابردن روحیه امید در خود، در آزمونهای تستی، بویژه آنهایی که نظیر کنکور



سراسری و یا CFA سرفصلهای متنوع و متعددی داشته و ساعتها به طول می‌انجامد بسیار موثر و مفید است.

بنابراین بار دیگر تاکید می‌کنم، علاوه بر اینکه تمرینات ورزشی (بویژه ورزش‌های هوازی که همزمان موجب سلامت و شادابی می‌شوند) را حتما در برنامه‌های خود باید لحاظ کنید، در حوزه تمرینات ورزشی استقامتی نیز اندکی سرمایه‌گذاری کنید، بد نخواهد بود.

در این چهار آزمون نیز مانند آزمونهای قبلی و بمراتب بهتر از آنها با قدم زدن در محیط، صحبت کردن و آشنا شدن با افراد، شستن سر و صورت در حین آزمون و... سعی نمودم تسلط و نشاط خود را در سرتاسر این آزمونها حفظ نمایم.

آنچه که به یاد دارم بویژه اینست که بنا به همان توصیه‌ای که در یکی از فصول قبل برای شما داشتم، سعی نمودم آنجا که امکان کنترل و اثرگذاری دارم، ولو به نظر بی ربط و خنده‌دار باشد، سعی در اثرگذاری داشته باشم، بنابراین حتی با نگهبان دم در هم سلام و علیک کرده و با برخورد خوب سعی نمودم به زعم خودم از ایجاد هر نوع فضای منفی که حتی یکصدم درصد احتمال اثرگذاری نامناسب بر من و آزمونم داشته باشد، خودداری کنم، البته جدا از این توضیحات، از لحاظ روانشناسی برخورد خوب و مهربانانه با دیگران پیش از آنکه باعث خوشحالی و عکس‌العمل مثبت آنان شود، باعث ارتقای روحیه خود فرد (که در اینجا من و



شمای آزمون دهنده هستیم) می شود و مطمئنا این روحیه شاد و مثبت در سر جلسه امتحان باعث عملکرد بهتر سلولهای مغز می شود.

بعلاوه برخورد خوب و جلب محبت و احترام سایرین بویژه مراقبین، در سر جلسه آزمون که موقعیتی بسیار خطیر و حساس است، به ما این امکان را می دهد تا در صورت بروز هر گونه مشکل و خطایی با کمک و همیاری بیدریغ سایرین، بلافاصله از تنگنا خارج شده و برای آزمونی که در آن شرکت کرده ایم مشکلی پیش نیاید.

واقعیت دیگری که خدمتتان باید عرض کنم (البته یک نظر کاملا شخصی است) اینست که من به پیوستگی زمان کاملا اعتقاد ندارم، به این معنی که احساس می کنم پس از تمام شدن یک آزمون خاص تلاش ما به پایان نمی رسد و حتی عملکردهای ما پس از آزمون نیز در نتیجه آن آزمون اثرگذار است، به این معنی که به عنوان مثال من این یکی دو سال اخیر با خودم قراری گذاشتم که پس از شرکت در هر آزمون روز بعد، مانند فردی که موفق شده و گواهینامه اش را دریافت نموده است، نام آن آزمون و گواهینامه اش را به فایل سابقه علمی و کاری خود اضافه نمایم، یعنی پیش از دریافت نتایج رسمی، خود را قبول شده در آن آزمون حس کنم.

در این آزمون نیز همینطور، یک یا دو روز پس از برگزاری آنها سراغ فایل رزومه یا سابقه کاری خود رفته و اسم گواهینامه های مرتبط با این آزمونها را با تاریخ قبولی خود (بهمن ۱۳۹۰) در این رزومه وارد نمودم، درست مانند فردی که رسماً گواهینامه هایش را دریافت داشته است.

فصل نهم کنکور دکترا

در این فصل می‌رسیم به یکی از مهمترین آزمون‌هایی که در آن شرکت نمودم، و در واقع یکی از مهمترین مراحل زندگی شخصی من، آزمون دکترای سال ۱۳۹۱، اولین آزمون دکترا که به شیوه تمام تستی در سطح کشور برگزار گردید.

آزمون دکترا برای شخص من حایز اهمیت فوق‌العاده‌ای بود، چرا که به شدت به ورود به مرحله دکترا فکر می‌کردم، علت آن نیز تمایل شدید و وافر من به کار علمی و تحقیقی است که از طریق ادامه تحصیل در مقطع دکترا و پس از آن از طریق عضویت در هیئت علمی دانشگاه‌های معتبر کشور به صورت حرفه‌ای و تمام وقت (حداقل برای من که صاحب ثروت و یا یک منبع درآمدی مستقل از کار روزمره خود نیستم) امکان‌پذیر خواهد شد.



البته پس از این مقدمه چینی‌ها باید بگویم آزمون دکترای سال ۱۳۹۱ پس از اولین آزمون کارشناسی ارشد که حدوداً سال ۱۳۸۳ در آن شرکت نموده و با عدم موفقیت مواجه گردیدم، عملاً تنها آزمونی بود که به دلیل هم مشغله‌های قابل کنترل و هم غیر قابل کنترل، وقت خاصی را برای مطالعه اختصاص نادم، و صرفاً بر بنیه علمی قبلی خود و توانمندی‌هایم در خصوص شرکت در آزمونهای تستی متکی بودم، در واقع غرور ناشی از موفقیت‌های قبلی در آزمونهای تستی (البته در حد بسیار محدود) در این عدم تلاش و کوشش دخیل بود.

به هر حال با تمامی این شرایط به سر جلسه آزمون رفتیم که مانند آزمون CFA در دو نوبت صبح و بعد از ظهر برگزار می‌شد، در این آزمون نیز مانند آزمون CFA پس از آزمون نوبت صبح از دانشگاه محل آزمون بلافاصله به منزل برگشته و مقداری خوراکی سرد و سبک مصرف کرده و اندکی نیز خوابیدم و سپس برای آزمون بعد از ظهر به محل دانشگاه مراجعه کردم.

اما بر خلاف من بسیاری از شرکت‌کنندگان در آزمون (که مطمئناً همچون من ساکن کرج بوده و امکان بازگشت به منزل را نیز داشتند)، در همانجا مانده و ژتون نهار نیز خریداری کردند، و احتمالاً از جسم عزیز خود با برنج و غذاهای چرب و سنگین و نامناسب دانشجویی پذیرایی مفصلی نمودند، و البته فکر می‌کنم، برخی



نتیجه کار خود را با قبول نشدن در آزمون و برخی نیز با کسب رتبه قبولی البته در حدی پایین تر از توانمندی‌های بالقوه خود، دریافت داشتند.

همانگونه که به خاطر دارید پیش از این در مورد اهمیت تغذیه مناسب و سبک و تجارب شخصی خودم در این زمینه با شما سخن گفته بودم، در مورد آزمونهایی که به این شکل در دو نوبت صبح و بعد از ظهر برگزار می‌شوند موضوع بمراتب حساستر است، و اگر از من می‌شنوید هنگام مواجه با چنین آزمونهایی، بین دو آزمون به خوردن آبمیوه و یک بیسکویت ساده و یا (همانند تجربه موفقی که در آزمونهای CFA داشتم) آجیل بسنده کنید. بگونه‌ای که هم از یک طرف بواسطه احساس گرسنگی تعادل جسمی شما از بین نرود و هم از طرف دیگر بواسطه سیری و سنگینی و فعالیت شدید دستگاه گوارشی انرژی و شادابی شما به هدر نرود.

اما پس از این توضیحات اگر بخواهم دقیقتر به خود آزمون پردازم، باید بگویم که همانگونه که گفتم، آمادگی کافی برای شرکت در این آزمون را نداشتم ولی با این حال مطابق رویه‌ای که در آزمونهای قبلی داشتم و پیش از این نیز بدان اشاره کردم، بگونه‌ای جدی و مستحکم وارد جلسه آزمون شدم که انگار یکسال گذشته وقت خود را کلاً صرف مطالعه و آماده‌سازی برای این آزمون نموده‌ام. در سر جلسه علاوه بر اینکه قدمی زدم و چند بار نیز (بخصوص بواسطه نزدیکی محل استقرارم



به دستشویی) آبی به سر و صورت زدم، بر روی تک تک سوالهای تستی حتی آنهایی که واقعا در موردشان چیزی به ذهنم نمی‌رسید، تمرکز نمودم و سعی نمودم تقریبا هیچ سوالی را بی‌پاسخ نگذارم. و تا آخرین لحظه به دنبال حل سوالات بودم بگونه‌ای که به عنوان مثال عملا پاسخ یکی از سوالات بسیار مشکل آزمون نیز در ۵ ثانیه پایانی وقت آزمون و زمانی که مراقبین جمع کردن پاسخنامه‌ها را شروع کرده بودند به ذهنم رسید، شخصا احساس می‌کنم از تک تک لحظات آزمون استفاده کافی (در حد دانش و همچنین مطالعات بسیار اندک و ضعیفی که داشتم) را بردم.

موضوعی که بویژه در مورد این آزمون و به عنوان یکی از ویژگیهای رفتاری من در مواجهه با آزمونهای تستی باید برای شما توضیح دهم اینست که بر خلاف برخی توصیه‌ها مبنی بر اینکه برای جلوگیری از کسب نمره منفی از پاسخ دادن شانسی به سوالاتی که پاسخ آن را نمی‌دانید خودداری کنید. من به شخصه با این دیدگاه مخالفم؛ و زمانیکه سر جلسه یک آزمون وارد می‌شوم به خود می‌گویم که نباید هیچ سوالی، حتی سوالاتی که پاسخ قطعی آنها را نمی‌دانم بی‌پاسخ بگذارم (شاید دلیل آن آزمونهای متعددی است که در آن شرکت نموده‌ام و شاید هم به خاطر اینکه در هنگام آماده‌سازی خود برای هر آزمون (از طریق حل تستهای سالهای قبل) فرصتی را هم برای تقویت توانمندی خود جهت پاسخ‌دهی حدسی (و نه



صرفاً شانس) به سوالات تستی اختصاص می‌دهم)، البته در نهایت ممکن است حدود ۳ یا ۴ سوال بی‌پاسخ بماند اما مهم این است که از همان ابتدا با این اراده وارد جلسه آزمون شوید، که به هر قیمتی شده باید پاسخ درستی برای هر سوال تستی بیابم.

در آزمون دکترا بمراتب بیشتر از هر آزمون دیگری من این روش را بکار بستم، البته پس از دریافت کارنامه خود و بررسی نمره‌ها به صورت مطلق اثرگذار بودن این روش را نمی‌توانم تضمین کنم، اما به صورت نسبی می‌توانم موفقیت این دیدگاه را تا حد زیادی تضمین کنم (از آنجا که رتبه من جزو ۶ درصد بالایی لیست افرادی بود که امکان انتخاب رشته داشتند، و عملاً نیز به مصاحبه معتبرترین دانشگاهها (دانشگاه تهران و...) دعوت شدم).





فصل دهم

آزمون FRM

این آخرین آزمونی است که در آن تا امروز که این کتاب بدست شما می‌رسد در آن شرکت نموده‌ام. آزمون FRM (مدیریت ریسک مالی) آزمونی است که در دو سطح (PART I/PART II) توسط موسسه GARP (انجمن جهانی متخصصین ریسک) سالی دوبار و به صورت همزمان در بیش از ۱۲۰ کشور جهان برگزار می‌گردد. این آزمون نیز مانند بسیاری دیگر از آزمونهای تخصصی که در حوزه مالی و سایر حوزه‌های فنی و مهندسی و مدیریت و... برگزار می‌گردد، بمنظور جبران نقایص و کمبودهای موجود در سیستم دانشگاهی سراسر جهان و با هدف تربیت افرادی با تخصص کاربردی در حوزه مربوطه (و رفع نیاز شرکتها و موسسات مختلف مالی و بانکی و... در سراسر جهان) برگزار می‌گردد. این موسسات و آزمونهای برگزار شده توسط آنها بسیار انعطاف‌پذیر بوده و هرساله بر مبنای



آخرین دست‌آوردهای علمی به‌روز می‌شوند و از سرفصلهای رشته‌های مختلف آکادمیک به نیاز روز نزدیکتر هستند، همچنین این آزمونها و مدارکی که به صورت مرتبط با آن صادر می‌شود، در واقع نشان دهنده حرکت فزاینده‌ای است که در سراسر جهان و طی چند دهه اخیر نسبت به تغییر سیستم سنتی تحصیلات دانشگاهی (نشستن سر کلاس و طی نمودن یک دوره زمانی ثابت و مشخص برای اخذ یک مدرک تحصیلی) بوجود آمده است، در واقع اگر هدف سیستم آموزشی تربیت انسانهای متخصص است، بنابراین تعیین یک بازه زمانی برای این فرآیند (کارشناسی ۴سال، کارشناسی ارشد ۲ سال و دکترا ۴سال) لزومی ندارد، و هر فردی بسته به توان خود و بدون نیاز به شرکت در دوره‌های تخصصی و صرفاً با شرکت در آزمونهای تخصصی مربوطه، می‌تواند به مدارک تحصیلی و تخصصی مورد نیاز خود و بازار کار دست‌یابد.

پس از این مقدمه چینی‌ها به خود آزمون پردازیم، آزمون FRM که من در آن شرکت کردم در آبان ۱۳۹۱ و در شهر دبی برگزار گردید. قبلاً نیز برای شرکت در آزمون CFAI به این شهر سفر کرده بودم و لذا در این سفر احساس راحتی بیشتری می‌کردم، و این شهر دیگر برایم غریبه نبود، بنابراین انتظار داشتم که به گونه‌ای مسلط‌تر از عهده آزمون برآیم.



ولی متأسفانه این آزمون نیز مانند بسیاری دیگر از آزمونهایی که در آن شرکت کردم با سهل‌انگاریهایی همراه بود که کمی مرا مضطرب و استرس زده نمود (هر چند قبلاً به تأثیرات مثبت داشتن اندکی استرس و شور و هیجان هنگام شرکت در آزمونها اشاره کردم، اما اگر این استرس به خاطر یک سهل‌انگاری عمدی و خودآگاه شما نباشد، و ناشی از سهل‌انگاری و اشتباهی ناخودآگاه و ناخواسته باشد، باید به حال خود تأسف بخورید).

مثل هر مسافرت دور و دراز و مهمی سعی نمودم پیش از سفر تمامی وسایل را از جمله پاسپورت و کارت ورود به جلسه و... را آماده نموده و چندین بار نیز مورد بازبینی قرار دادم تا از وجود آنها مطمئن شوم، اما وقتی سوار تاکسی شدم و به سمت فرودگاه حرکت نمودم، در نیمه راه متوجه شدم ماشین حسابم را بهمراه نیاوردم (هر چند در این آزمون، از محاسبات خاص مانند آزمون CFA خبری نبود؛ اما الزاماً فقط ماشین حسابهای خاصی جهت استفاده در سر جلسه آزمون معرفی شده بودند) امکان بازگشت نداشتم، و تنها راه این بود که پس از رسیدن به دبی مجدداً یک ماشین حساب دیگر خریداری نمایم، مطمئناً وقتی شما بیش از ۳ میلیون تومان برای شرکت در یک آزمون خاص خرج می‌کنید، صرف ۲۰۰ هزار تومان اضافه‌تر برای خرید یک ماشین حساب شاید زیاد به چشم نیاید (بویژه اینکه چیزی که خریده‌ای برای شما در آینده باقی خواهد ماند و بعداً از آن می‌توانید



استفاده کنید) اما باور بکنید یا نه همین فراموش کاری ساده (که براحتی می‌شد جلوی آن را گرفت) از همان ابتدای سفر واقعا مرا ناراحت و عصبانی کرد. مطمئن باشید چنین اتفاقی برای هر یک از شما نیز بیافتد، به همین شکل مضطرب و عصبانی می‌شوید. بله شروع جالبی نداشتم و همین باعث شد نگران روز آزمون و عدم موفقیت در آن شوم.

به هر حال ادامه دادیم و مانند آزمونهای قبلی هم دو شب قبل از روز آزمون به شهر دبی رسیدم و هم استراحت کافی نمودم و هم آزمونهای تستی آزمایشی خود موسسه GARP را نیز که قبلا حل نکرده بودم (و برای این دو روز خاص کنار گذاشته بودم) مطالعه نموده و مجددا خود را برای روز آزمون آماده ساختم.

در این آزمون خاص و در روز برگزاری مهمترین موضوعی که به ذهنم می‌رسد و تقریبا می‌توانم بگویم برای اولین بار در یک آزمون چهارگزینه‌ای به صورت ویژه بکار بستم، طبقه‌بندی سوالات به مشکل و آسان بود، یعنی از سوال اول شرع کردم و هر سوالی که به نظرم حل آن زمان زیادی می‌برد و یا به هنگام مطالعه سوال چیز خاصی به ذهنم نمی‌رسید، بلافاصله رها کرده و به سراغ سوال بعدی می‌رفتم، به این ترتیب در دور اول کلیه سوالات آسان و متوسط این آزمون را (آزمون FRM PARTI از ۱۰۰ سوال چهارگزینه‌ای تشکیل می‌شود) حل

نمودم.



از دید من این روش (که یکی از ابتدایی‌ترین روشهای مواجهه با آزمونهای چندگزینه‌ای بوده و بارها و بارها در سایر کتب بدان اشاره شده است) چند مزیت دارد:

الف) آماده‌سازی تدریجی ذهن

ذهن انسان را می‌توان مانند یک موتور ماشین تصور نمود (که در ابتدا باید به آرامی روشن و گرم شود، و بلافاصله تحمل فشار زیاد را ندارد). در هنگام شرکت در هر آزمونی ذهن مانند سایر اجزاء بدن نیاز به کسب آمادگی دارد تا بتدریج به بالاترین حد ظرفیت خود برسد، مثل ورزشکاران که پیش از مسابقات بدن خود را گرم می‌کنند. مغز نیز جزئی از بدن انسان است و قواعد زیست‌شناسی حاکم بر آن مانند سایر اعضاء بدن است. وقتی به سراغ سوالات آسان می‌روید از یک طرف ذهن کم‌کم متمرکز شده و وارد فضای آزمون و موضوعات علمی مربوطه می‌شود. (قبل از رسیدن به سر جلسه آزمون صبحانه خوردم، سوار مترو شدم و به سر جلسه آمدم، در آنجا افراد مختلفی را دیدم و...، همه اینها موضوعاتی است که ذهن را از موضوع اصلی دور می‌کند، فکر فرد به جاهای مختلف کشیده می‌شود). از طرف دیگر فعالیت ذهنی شما کم‌کم افزایش می‌یابد، ذهن انسان مانند سایر اعضای بدن این ویژگی را دارد که بمنظور سالم ماندن و داشتن عمر طولانی همواره متناسب با نیاز فرد فعالیت می‌کند، مطمئناً وقتی که در یک مسیر آشنا در



حال قدم زدن هستید، ذهن شما به اندازه وقتی که در حال حل مسائل سنگین ریاضی هستید فعال نیست، چرا که اگر اینگونه بود، طول عمر مغز و ذهن انسان شاید به ۲۰ سال هم نرسید و هیچ انسانی نمی‌توانست عمری طولانی داشته باشد، و فرضاً در سن ۳۰ سالگی (سن امروز من) ذهنمان به کندی و فرسودگی ذهن یک پیرمرد یا پیرزن ۹۰ ساله می‌بود.

بهرحال ذهن نیز مانند سایر اعضای بدن و مانند هر ساختار زیستی نمی‌توان صفر و یکی عمل کند و به سرعت از حالت غیرفعال (یا از سطح فعالیت بسیار پایین) به سطح کاملاً فعال دست‌یابد (هر چند تمرینهایی وجود دارد که فاصله زمانی بین این دو حالت را برای افراد (بویژه نیروهای نظامی و امنیتی) کاهش می‌دهد). باید صبر کرد و در این حین ذهن را بتدریج به فعالیت واداشت، روش حل سوالات تستی از آسان به سخت بهترین راه برای حل این مسئله است.

(ب) افزایش اعتماد به نفس

وقتی در یک آزمون چهار گزینه‌ای به ترتیب سعی در حل سوالات می‌کنیم، به عنوان نمونه شروع به حل اولین سوال کرده و پس از چند دقیقه موفق نمی‌شویم آن را حل کنیم (که بعلت آماده نبودن ذهن چنین حالتی اغلب برای افراد مختلف پیش می‌آید)، روحیه خود را از دست می‌دهیم و دچار نوعی استرس و اضطراب مضر و منفی می‌گردیم. ولی در مقابل اگر ابتدائاً شروع به حل سوالات آسان



نماییم، هر چه بیشتر این سوالات را شناسایی و حل کنیم، ناخودآگاه روحیه گرفته و اعتماد به نفس خاصی برای حل سوالات مشکل در ما ایجاد می‌شود.

پ) مدیریت زمان و افزایش حس کنترل بر محیط

توضیحات این بند اندکی با بند قبلی (بحث اعتماد به نفس و کاهش استرس و اضطراب) از نظر مفهومی تداخل دارد. وقتی به ترتیب و بدون هر برنامه‌ای از شماره ۱ تا ۱۰۰ شروع به حل سوالات در یک آزمون تستی می‌نمایید، خب برخی سوالات زمانبرتر هستند و گاه (مثل تجربه من در این آزمون) یکباره می‌بینید که مثلا یک سوم وقت آزمون گذشته و شما تنها ۱۰ درصد سوالات آزمون را مورد بررسی قرار داده‌اید (ممکن است درصد سوالات پاسخ داده شده از این هم پایین‌تر باشد) خب این وضعیت علاوه بر اینکه مستقیما باعث بهم خوردن برنامه زمانی شما شده و ممکن است باعث گردد بر روی برخی سوالات کمتر از حد معمول وقت بگذارید، و در نهایت نتوانید به برخی سوالات (ساده و متوسطی که صرفا با صرف وقتی اندک قابل پاسخگویی هستند)، جواب داده و در نهایت نمره نهایی شما بشدت کاهش می‌یابد. از طرف دیگر این وضعیت باعث خواهد گردید حس کنترل خود بر زمان را از دست داده و استرس کمبود وقت وضعیت شما را بدتر نیز بکند، با این استرس، حتی درست‌زمانیکه مشغول صرف وقت برای حل یک



سوال هستید، بدرستی نمی‌توانید داشته‌های ذهنی خود را بر روی کاغذ آورده و احتمال پاسخگویی نادرست شما به سوالات بالا می‌رود.

اما اگر در ابتدا سوالات آسان را حل کنید، خواهید دید (بنابه تجربه من) پس از یک دور مرور کل سوالات و حل بیش از دو سوم آنها، تنها نیمی از وقت شما سپری شده و زمان قابل توجهی جهت تمرکز بر روی حل سوالات مشکل دارید، در این حالت نوعی آرامش و حس تسلط بر اوضاع و کنترل زمان در شما ایجاد شده و همین حس آرامش علاوه بر اینکه کمک می‌کند به راحتی سوالات باقیمانده را حل کنید، نوعی اعتماد به نفس در شما ایجاد می‌کند، که این به نوبه خود باعث می‌شود بهتر از قبل بتوانید از دانش خود استفاده نموده و به سوالات پاسخ صحیح و دقیقی بدهید.

با این استراتژی و البته استفاده از سایر استراتژی‌های که در فصول قبل بدان اشاره کردم، مانند همراه بردن بطری آب و مقداری آجیل و خوراکی به سر جلسه امتحان، استفاده از قسمتی از وقت جهت رفتن به دستشویی و شستن دست و رو و رفع خستگی ناشی از ساعات طولانی آزمون (این آزمون از ۸ صبح تا ۱۲ ظهر و بمدت چهار ساعت بطول انجامید) و... توانستم در این آزمون بسیار تخصصی و فنی و ریاضی محور (ریاضی محورتر از بیشتر آزمونهای مالی داخلی و بین‌المللی که تا کنون در آن شرکت نموده‌ام) موفق گردم.





Eco-lib.com

فصل آخر نکات تکمیلی

در این فصل برخلاف فصلهای پیشین به جای بیان ماجرای آزمونهای تستی که در آن شرکت نموده بودم، قصد دارم به بیان برخی نکات قابل توجه در خصوص نحوه شرکت در آزمونهای تستی بپردازم، نکاتی که در فصول پیشین بدانها پرداخته نشد.

چیزی که در این بخش میخواهم در مورد آن توضیح دهم، تفاوت آزمونهای تستی با یکدیگر و بویژه تفاوت سرفصلهای مختلفی است که در هر آزمون مطرح شده و آمادهسازی خاص خود را میطلبند.

اولین موضوعی که من در آزمونهای مختلف تستی تجربه نموده‌ام و همواره به هنگام مطالعات خود آن را مدنظر داشته‌ام اینست که آزمونهای تستی، حتی در



قسمتهایی که دارای محاسبات عددی و منطقی هستند، باز تا حد زیادی سوالاتشان متکی بر حافظه آزمون‌دهنده است، چرا که طراحان سوالات بخوبی می‌دانند که باید از تمامی بخشها و سرفصلهای مختلف سوال طرح نموده تا بتوانند به ارزیابی همه جانبه معلومات آزمون‌دهندگان نائل شوند، از طرف دیگر زمان محدود هر آزمون باعث می‌شود این طراحان مجبور شوند سوالاتی را طراحی کنند که در کمترین زمان ممکن قابل پاسخگویی باشند، تنها راهی که می‌توان یک سوال را بگونه‌ای طراحی نمود که هم در کوتاه‌ترین زمان ممکن قابل پاسخگویی باشد و هم ارزیابی‌کننده کم‌نقصی از توانمندی و معلومات آزمون‌دهنده باشد، اینست که سوالاتی ارائه شود که بیش از آنکه متکی بر محاسبات پیچیده و چندمرحله‌ای باشد، متکی بر توان یادآوری فرد باشد. به این معنی که آزمون‌گیرنده مطمئن شود فرد، یک بحث علمی را خوانده است و محتوای آن را نیز درک نموده است، به این ترتیب که بعضی از سوالات حتی حافظه فرد را نیز خیلی تحت فشار قرار نداده و صرفاً بدنبال این هستند که مطمئن شوند، فرد آزمون‌دهنده مفهوم واقعی یک مطلب علمی مرتبط با موضوع آزمون را درک کرده است یا خیر.

بنابراین در وهله اول پیشنهاد من به شما اینست که سعی کنید محتوای دروس خود، حتی دروسی که محتوی مفاهیم پیچیده ریاضیاتی و فنی هستند را نیز به



خوبی حفظ کرده و بخاطر بسپارید، در این زمینه بهترین روش، شناسایی کلیدواژه‌ها و تفاوت‌های کلیدی هر مبحث با مبحث دیگر است، اگر این تفاوتها را به خوبی شناسایی نکنید، به هنگام حفظ نمودن مطالب، عملاً حفظیات شما با هم ترکیب شده و در سر جلسه آزمون به خوبی نمی‌توانید آنچه را که نیاز دارید به خاطر آورید. در واقع شاید همه چیزهایی را که خوانده‌اید در سر جلسه آزمون بخاطر می‌آورید، اما آنچه که بخاطر نمی‌آورید، اینست که هر مطلب و مفهومی مربوط به چه موضوعی است و یا در کجا کاربرد دارد.

در وهله بعد پیشنهاد می‌کنم به دنبال درک دقیق مطالب بروید، هر کتاب و هر فصل از هر کتاب دارای مفاهیم و موضوعات و فرمولهای متعددی است، اما مفاهیمی کلیدی که در یک فصل یا کتاب توضیح داده می‌شوند اندک هستند، و آزمون دهندگان نیز در هر آزمونی در وهله نخست به دنبال کسب اطمینان از این هستند، که شما موضوعات کلیدی هر درس و کتاب را درک کرده‌اید، بنابراین در هر بار مطالعه پس از خواندن کتب مختلف جهت آشنایی با مطالب و به خاطر سپردن آنها، سعی کنید در وهله نخست مهمترین مفاهیم و موضوعات کلیدی هر سر فصل را شناسایی و با مطالعه دقیق، ماهیت موضوع را درک کنید، مطمئن باشید قسمت قابل توجهی از سوالات آزمونهای مهم تستی، (بویژه آزمونهایی که با تعداد ۲۰۰ الی ۳۰۰ سوال می‌خواهند دانش و سواد شما را در یک حوزه بسیار



وسیع (مثلا کل دروس مقطع دیپلم یا کارشناسی) محک بزنند) به محک زدن توانمندی شما در درک همین مفاهیم اختصاص دارند و نه برخی فرمولها و مفاهیم فرعی و کم‌اهمیت، هر چند که بر اساس تجربه خود می‌توانم بگویم که وقتی با مفاهیم و فرمولهای کلیدی یک سرفصل کاملا آشنا شده و آن را درک نمودید، سایر مفاهیم فرمولهای فرعی که عملا مشتق شده از همان موضوع اصلی هستند را نیز به راحتی متوجه شده می‌توانید سوالهای مرتبط با آن را نیز حل کنید.

بنابه همین دلایل ذکر شده در فوق، در طول کتاب بارها و بارها به تشدید میزان مطالعه در روزهای پایانی قبل از هر آزمون تاکید نمودم، چرا که حافظه انسان همواره مطالب را از یاد می‌برد، بنابراین مرور سریع کلیه کتب و منابع یک آزمون آنهم درست در چندروز باقیمانده به روز برگزاری آن، به لحاظ کمکی که به حافظه ما در یادآوری مطالب می‌کند، تاثیری ارزنده بر نتایجی که کسب می‌کنیم خواهد گذارد.

از این بحث کلی که بگذریم، باید به یاد داشته باشیم که در بسیاری آزمونهای تستی که با آن مواجه می‌شویم، همواره بخشهایی وجود دارند که به صورت صددرصد کامل متکی بر حافظه هستند، روشی که من برای مطالعه این بخشها برگزیده‌ام و به شما نیز پیشنهاد می‌کنم، این است که در صورت دارا بودن وقت کافی با آرامش و به صورت تدریجی در چندماه باقیمانده به آزمونی که میخواهید



در آن شرکت کنید یک دور مطالب مربوطه را مرور کنید، اما مطالعه دقیق و متمرکز اینگونه مطالب را به نزدیکترین زمان به روز آزمون موکول کنید، تا بیشترین کمک را به حافظه خود کرده باشید.

موضوع بعدی اینست که مهمترین تفاوت آزمون تستی با سایر آزمونها (از نظر من) تعدد سوالات و کوتاه بودن زمان پاسخگویی به هر سوال نیست، بلکه از نظر من جالبترین قسمت آزمونهای تستی اینست که جواب پیش چشمان شما قرار دارد و شما فقط باید آن را انتخاب کنید، بنابراین خیلی استرس نداشته باشید، و به هنگام یادگیری و مطالعه هر درس و همچنین حل نمودن سوالات آزمونهای تستی این نکته مهم را به خاطر داشته باشید، فقط بخاطر سپردن و یادآوری مکرر این نکته به شما کمک خواهد نمود ناخودآگاه استراتژی مطالعاتی خود را بهبود بخشید، بخصوص اینکه به هنگام مطالعه کتب در هر دور مطالعه بیش از حد بر روی یک موضوع (که احساس می کنید، در ذهن شما جای نمی گیرد) تمرکز نکنید، صرفا نکات مهم و تفاوتهای آن موضوع را با سایر مطالب درک کرده یا حتی المقدور حفظ کنید، و بعد این محفوظات خود را بهنگام حل سوالات تستی دوره های قبل بیازمایید، آنقدر اینکار را انجام دهید، تا یاد بگیرید چگونه با یک مطالعه سریع می توانید از بین چهار پاسخ بعضا مشابه، پاسخ صحیح را بیابید.



روش دیگری که من به هنگام مواجهه با سوالهای تستی نسبتاً مشکل مورد استفاده قرار می‌دهم (مخصوصاً در آزمونهای آزمایشی که برای خود و در منزل برگزار نموده‌ام)، و تا حد قابل توجهی نیز موفقیت آمیز بوده است، استفاده از روش قیاس و غربالگری است، این روش کمی پیچیده‌تر از آن است که توضیح داده شود، اما حالت کلی آن از این قرار است که با مقایسه ۴ گزینه آزمونهای تستی (بویژه در مورد سوالاتی که پاسخ کیفی و تشریحی دارند) می‌توان گزینه‌هایی را احتمالاً غلط هستند را حذف نمود تا کم‌کم به پاسخ صحیح نزدیک شد.

در واقع یک نکته بسیار مهم که در اینجا باید خدمت شما یادآور شوم، نکته‌ای که همواره به عنوان یک اصل مهم به یاد داشته‌ام و همیشه سعی نمودم در آن زمینه خود را تقویت نمایم، اینست که یافتن پاسخهای غلط در یک آزمون چند گزینه‌ای (تستی) به هیچ عنوان دست کمی از یافتن پاسخ صحیح ندارد، بنابراین در حل سوالات تستی به هنگام آمادگی برای حضور در آزمونهای واقعی (علاوه بر یادگیری مطالب علمی مربوط به آزمون) اندکی نیز بر روی ایجاد و تقویت این توانمندی خاص (یافتن پاسخهای غلط و ناصحیح) در خود، تمرکز کنید.

در مورد یافتن پاسخ صحیح هر سوال از طریق سایر پاسخهای ارائه شده برای آن سوال، روشهای متعدد و ابتکاری بسیاری در این حوزه وجود دارد که من آنها را بکار بسته‌ام و هر یک از شما خوانندگان محترم باید روش خاص خود را ابداع



کنید، به عنوان نمونه در برخی سوالات تستی از طریق بررسی تواتر وجود یک کلمه کلیدی خاص در گزینه‌های مختلف، ممکن است بتوان پاسخ صحیح را حدس زد. علت این امر اینست که طراحان آزمونهای تستی گاه بمنظور بالا بردن سطح کیفیت و سختی سوالات سعی می‌کنند در کنار پاسخ صحیح، پاسخهای مشابهی نیز قرار دهند تا پاسخ دهنده را اندکی گیج کنند. اما هشدار می‌دهم این تنها یک مثال است و همواره شما را به پاسخ صحیح نمی‌رساند، البته برای خود من استفاده از این روش حدوداً در ۵۰ درصد موارد موفقیت به همراه داشته است که رقمی قابل قبول است (چرا که این روش از پاسخ دادن شانسی و تصادفی به سوالات در یک آزمون که صرفاً ۲۵ درصد یا یک چهارم احتمال موفقیت به همراه دارد، قوی‌تر عمل می‌کند).

اما در مورد تست‌هایی که جهت دستیابی به پاسخ نیازمند استفاده از فرمولها و روش‌هایی جهت حل یک مسئله ریاضی یا نیمه ریاضی هستید، در اینجا پیش از ارائه هر توضیحی تمایل دارم مهمترین موضوعی که در ارتباط با انواع کتب علمی در سراسر جهان، من به آن اعتقاد دارم را خدمت شما عرض کنم، بنظر من همه کتابها و بویژه معتبرترین و استانداردترین آنها (در حوزه مربوط به خود) و نویسندگانشان، لزوماً مطالب خود را به بهترین و اثربخشتین شکل به خواننده



ارائه نمی‌دهند، بلکه عملاً سعی می‌کنند، به کاملترین، کاراترین و قابل فهم‌ترین روشی که می‌توان یک مفهوم یا ایده علمی را مکتوب و مستند کرد، آن را نوشته و به چاپ برسانند. در اینجا تمایل دارم جملات قبل را یکبار دیگر مرور کنید، و بویژه به تفاوت دو مفهوم اثربخشی و کارایی که طی دو جمله متوالی مطرح گردید اندکی فکر کنید.

واقعیتی که ما باید به آن توجه کنیم این است، کتاب یا حتی دروس شفاهی اساتید به تنهایی کافی نیست، ما نباید طوطی‌وار فرمولها و روشهای حل مسئله را که در کتب مختلف با آن برخورد می‌کنیم را حفظ کرده و یادگیریم، بلکه باید به دنبال درک واقعی موضوع و بالاتر از آن یافتن اثربخش‌ترین شیوه‌ها جهت استفاده مطلوب از آنها باشیم.

نویسندگان کتابهای علمی مجبور هستند، برای قابل فهم کردن مطالب خود و همچنین ارائه آن به گونه‌ای که در آینده نیز محققان دیگر نیز امکان بسط و توسعه آن را داشته‌باشند، از روش الگوریتمی و قدم‌به‌قدم استفاده کنند، در حالیکه گاهی از دیدگاه فردی شاید برخی شیوه‌های ابداعی و غیرالگوریتمیک (نامنظم و غیرنظامند) برای من و شما قابل استفاده‌تر باشد، من عملاً در برخی آزمونهای تستی و در مورد برخی موضوعات که شامل فرمولها، روشها و رویه‌هایی گام‌به‌گام برای حل مسائل عددی و ریاضیاتی بودند، خودآگاه و



ناخودآگاه یاد گرفته بودم که فرمول و روش اصلی را فراموش کرده و به روش ابداعی، درهم و برهم و نامنظم و در محدودی موارد سعی و خطای نظام‌مند، مسائلی را که در سر جلسه آزمونهای تستی با آن روبه‌رو بودم را حل نمایم، بنابراین توصیه اکید من به شما اینست که به هنگام مطالعه کتب علمی، بویژه آنجا که قصد شرکت در آزمونی تستی را دارید، به دنبال این باشید، که اثربخش‌ترین راه را برای خود پیدا کنید.

به یاد داشته باشید فرمولها و روشهای حل مسئله که در کتب مختلف با آن مواجه می‌شوید، برای حل مسائل و مشکلاتی در دنیای واقعی ابداع و کشف شده‌اند، بنابراین فرد یا افرادی که این فرمولها را ابداع کرده‌اند، دغدغه‌شان حل مسائل روزمره پیش‌روی خود و جامعه بوده (و مطمئناً ساعتها و روزها وقت در اختیار داشتند)، نه ابداع فرمول و روشی برای حل سوال تستی ظرف یک یا دو دقیقه.





سخن پایانی

در خاتمه یادآور می‌شوم من به عنوان یک آدم معمولی و با سطح سواد متوسط این کتاب را برای افرادی که همانند خودم هستند به رشته تحریر درآوردم، حال اگر شما انسان نخبه‌ای هستید، و در هر آزمونی که شرکت می‌کنید جز به کسب رتبه‌های بالا به چیز دیگری فکر نمی‌کنید، ممکن است محتوای این کتاب نه تنها باعث راهنمایی شما نگردد بلکه باعث شود از رسیدن به جایگاهی که قصد آن را داشتید، باز بمانید. پس پیش از مطالعه این کتاب و در حین مطالعه آن دقیقاً اهداف و چشم‌انداز خود را روشن نمایید.

در اینجا این کتاب نه چندان قطور و انشاء الله پر بار به اتمام می‌رسد، امیدوارم مطالب آن قابل درک و بویژه قابل لمس توسط تک‌تک شما خوانندگان محترم و عزیز باشد، تا بتوانید به گونه‌ای شایسته از آن بهره بگیرید.



فراموش نکنید بسیاری از نکاتی که من در این کتاب بدان اشاره نمودم ایده‌هایی خام و ابتدایی است که شخصا به صورت ناخودآگاه و خودآگاه آنها را بکار بسته و بدانها دست یافته‌ام (و البته در حد بسیار محدودی مورد استفاده قرار داده‌ام) بنابراین به شما یادآور می‌شوم که هر چیزی که در این کتاب می‌بینید، نه به عنوان یک نقطه پایان و یک مطلب استاندارد که به عنوان نقطه‌ای آغازین در راه توسعه ایده‌ها و روشهایی نوین جهت حضور پربار در آزمونهای تستی بنگرید، امیدوارم در نگارشهای بعدی نام برخی از شما عزیزان را به عنوان همکاران خود در تکمیل و افزایش مفاهیم و تجارب مطرح شده در کتاب در کنار نام خود ببینم. در اینجا که قصد دارم کتاب را به پایان برسانم، وقتی به عقب نگاه می‌کنم، می‌بینم که پیش از آنکه این کتاب به مرحله چاپ و فروش انبوه برسد، صرف نگارش آن، برای خود من هم (که نگارنده و تجربه‌گر اصلی اتفاقات مطرح شده در آن هستم) آموزنده و مفید بوده است، احساس می‌کنم این کتاب فراتر از آنکه بسته‌ای آموزشی جهت شرکت و کسب موفقیت در آزمونهای تستی باشد، نسخه‌ای خواهد بود که به موفقیت‌م در سایر برهه‌های حساس زندگی کمک خواهد کرد. امیدوارم برای شما خواننده عزیز نیز چنین باشد. ■

پایان

جز برای موفقیت (و حتی کسب رتبه) در هیچ
آزمونی شرکت نکنید، مهم نیست کمتر از
دیگران مطالعه کرده و یا اینکه به دلیل
مشکلات شخصی در آستانه آزمون‌ها و
کنکورهای خود و یا حتی در روز و ساعت آزمون
آمادگی ذهنی و جسمی خود را از دست داده‌اید،
مهم حفظ روحیه و همچنین جدیت شما
برای کاری است که می‌خواهید انجام دهید،
کاری که وقت، انرژی و هزینه صرف آن نموده‌اید.



ISBN: 978-600-5548-91-4



9 786005 548914

تلفن مرکز پخش:

۰۲۱-۶۶۹۰۷۳۹۴

۰۲۱-۲۲۹۰۱۰۱۵

مگاش
عصرککاش